



حقیقت انقلاب شور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شنبه ۸ دلو ۱۳۶۲

Jan. 26, 1984.

شماره ۱۲۳ سال چهارم

شماره مسلسل ۷۳۴

پهال تاسیس ۱۳۵۹

جلسه نوبتی بیرونی
سیاسی کمیته مرکزی
ح. د. خ. ا. دایر گردید

شهر کهنه باز سازی میشود

- طرح پیشنهادی پلان تفصیلی ساحه مرکزی شهر کابل مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار گرفت.
- طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی و اداره بررسی گردیده و بطور کل تایید گردید.

جلسه نوبتی بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پنجم دلو ۱۳۶۲ تحت ریاست رفیق بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در جلسه دولتی مورخ ۸ فروردین ۱۳۶۲ (ص ۲)

در جلسه طرح پیشنهادی پلان تفصیلی ساحه مرکزی شهر کابل مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار گرفت. گزارش ها و توضیحات پیرامون این طرح به جلسه ارائه گردید. بیرونی سیاسی بنا بر اهمیت اصولی و جدی مساله فیصله بعمل آورد تا طرح مذکور به سرعت تمام ارگان های مربوطه بطور دقیق و وسیع مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد و بنحو بهتر و کاملتر آماده گردد. در این رابطه رفیق بیک کارمل هدایت دادند تا در امر تعیین و ساختن ساحه مرکزی شهر کابل دقت جدی بعمل آید و خصوصیات تاریخی، معنوی شهر کابل به مقابله مرکز افغانستان انقلابی و سبک معماری مردم ما در مقابلت با معیارهای مهندسی پیشرفته در (ص ۲)

بهبود کار، اقدام، عمل، تصمیم،
واراده شکست ناپذیر انقلابی
وسازماندهی عالی شعار مرکزی

سیاست خارجی ما
پشتیبانی از صلح است

وظیفه داریم در وجود اعضای
حزب دسپلین آهنین را تقویت کنیم

بیانیه تاریخی رفیق بیک کارمل

روشنفکرانی که در افغانستان
باقیمانده اند نسبت به حکومت
وفادارند و صادقانه و از روی
وجدان زحمت میکشند و باید
بحیث و وطنپرستان احترام شوند

فشارده بیانیه شفاهی رفیق
بیک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و رئیس
شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک
افغانستان در جلسه
کارمندان رهبری حزبی و
دولتی مورخ ۸ فروردین ۱۳۶۲
(ص ۲)



رفیق بیک کارمل هنگام ایراد بیانیه در جلسه کارمندان رهبری حزبی و دولتی. عکاسی: ح. ا. ث.

بعضی رفقا بعوض اینکه به ساز-
ماندهی امور مشخص بپردازند
برای عدم فعالیت خود بهانه
می جویند و دلایل می تراشند

کی به صلح هجوم میبرد؟

و معو تمام تمدن بشریت
شده و سیاره ما را به
پیاپی با نیل و نوار حیات
مبدل سازد.
... درک و احساس این خطر
است که میلیون ها نفر از مردم
رادر گوشه و کنار جهان و
حتی در خود امریکا به جاده ها
میکشاند تا در مبارزه مرگ
و زندگی سپاس شوند.
سازمان های متوعی در
جهان با فرهنگ و ایدئولوژی
و دیدگاه های سیاسی اجتماع
عی مختلف و گاه متضاد به
دعوت جنبش جهانی صلح
پاسخ میدهند. هفته های صلح،
خلع سلاح، همبستگی و
اعتراض علیه نصب راکت
های جدید امریکا در اروپا و
یاشرکت میلیون ها مردم در
سراسر جهان برقرار می
شود. آنها فریاد می آورند:
«ما را کت نمی خواهند به
پیش بسوی صلح»
تشدید بیسابقه تشنج
مشخصه اوضاع بین المللی
شده است. امریکا لیژم جهانی
بسرگردگی امریکا لیژم
جنايتکار امریکا ایجاد گرو
تشديد کننده این تشنج است.
«نقاط داغ» در جهان به وجود
می آورد و به پها نه های
وامی قوای نظامی و پایگاه -
های خود را در سراسر گیتی
گسترش می دهد. (نیروهای
امریکائی مستقر در آلمان
فدرال ۲۴۳۰۰ نفر، در جاپان
۸۷۰۰ نفر، در کوریا ی
جنوبی ۳۸۷۰۰ نفر و در انگلستان
۲۷۱۰۰ نفر می باشد.)
در حالی که به مردم و
دولت افغانستان انقلابی
جنگ اعلام نشده ای تحمیل
شده است و از سوی ایران
و پاکستان و چین مورد

رفیق یوری اندرو پوف
منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب کمونسیت و صدر هیات
رئیس شورای عالی اتحاد
جماهير شوروی سوسیالیستی
در مصاحبه باروز نامه پرودا
اشاره مستقیم به خطری کرد که
از طرف امریکا لیژم، امریکا
صلح جهانی را تهدید میکند.
درواقع جنگ هستوی که
امریکا خود را برای آن آماده
میکند نسل انسان را هدف
گرفته است تنها مردم اروپا
که اکنون در خط مقدم خطر
جنگ اتمی قرار گرفته اند
بسرعت درک کرده اند که دولت
های اروپایی هماهنگ با
امپریالیژم امریکا چگونه
خطر را به خانه آنها آورده اند.
هنوز تا فورا گیر شدن
آگاهی تمام بشریت از خطر
که نسل انسان را تهدید میکند
راه درازی در پیش است. هنوز
هستند کوه تا فکرانی که
تصور میکنند در صورت بروز
جنگ هستوی فقط قدرتهای
بزرگ در معرض خطر خواهند
بود حال آنکه جنگ هستوی
جنبه معین ندارد و عوارضی
ناشی از آن دامنگیر مردم همه
جهان خواهد شد.
روزی نیست که از گوشه
و کنار جهان فریاد اعتراض
آید میلیون ها نفر علیه
جنگ بگوش نوسد. تظاهرات
انبوه مردم، گرد هم آیی های
وسیع، صدور قطعنامه ها
و بیانیه های ضد مسابقات
تسلیماتی لحظه ای متوقف
نمی شود. هیچ گاه تا این
حد خطر و قوع يك جنگ
اتمی جهان را تهدید نکرده
است. يك عمل دیوانه وار و
يك خیال خام می تواند
باعث قتل انسان ها

حزب دموکراتیک خلق افغانستان

امریکا در تدارک
جنگ مکروبی (ص ۷)

خشم مردم در چهره پوسترها
(ص ۸)

پیام های تبریکیه

به مناسبت سی و مین سالگرد امضای نخستین موافقتنامه
افغان و شوروی راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکي

به مناسبت سی و مین سالگرد امضای نخستین موافقتنامه
افغان و شوروی راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکي
وزیران شوروی دموکراتیک افغانستان و رئیس شورای
وزیران اتحاد جماهير شوروی سوسیالیستی به تاربخ
۲۶ دلو به مسکو میام بر شده است.

به مناسبت سی و مین سالگرد امضای نخستین
موافقتنامه افغان و شوروی راجع به همکاری های
اقتصادی و تخنیکي پیام تبریکیه آنها ظرف شورای
وزیران شوروی دموکراتیک افغانستان و رئیس شورای
وزیران اتحاد جماهير شوروی سوسیالیستی به تاربخ
۲۶ دلو به مسکو میام بر شده است.

رفیق سلطا نعلی کشتند!
رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان
نستان.
به مناسبت سی و مین سالگرد امضای نخستین موافقتنامه
راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکي بین اتحاد جما -
هير شوروی سوسیالیستی و افغانستان مرا تبت تبر -
یکات صمیمانه و بهترین تمنیات را به شما و به تمام
مردم افغانستان تقدیم می داریم.
این موافقتنامه که به روز ۲۷ جنوری سال ۱۹۵۴ منعقد
گردید در تاریخ مناسبات کشور های ما که و ای -
لین منبع آنها بخش آن به در حله مهمی تلقی میشود.
موافقتنامه متذکره بنیادین را برای
برای همکاری های اقتصادی و تخنیکي
شوروی و افغان متکی بر اصول تساوی واقعی، منافع
متقابل و حسن همجواری گذاشت.
در نتیجه همکاری های اقتصادی و تخنیکي میان
(ص ۲)

رفیق نیکو لای الکسا ندریویچ تیخونوف!
رئیس شورای وزیران اتحاد جماهير شوروی سوسیالیستی
به مناسبت سی و مین سالگرد امضای نخستین موافقتنامه
افغان و شوروی راجع به همکاری های اقتصادی و تخنیکي
دی و تخنیکي صمیمانه ترین تبریکات و بهترین تمنیات
را به حکومت اتحاد شوروی و تمام مردم شوروی تقدیم
میداریم.
علاقه اقتصادی افغانستان و شوروی که بنیاد آن در دوران
زندگی لینن کبیر گذاشته شد نمونه در خشان مناسبات
متساوی الحقوق، حسن همجواری و متقابل مفید میان
کشور ها می باشد.
موسسات و پروژه هاییکه با همکاری و مساعدت
اتحاد شوروی در عرصه های صنایع، ترانسپورت انرژی
برق، زراعت و آبیاری در افغانستان ایجاد شده است
اساس پیکتور دولتی کشور رو پایه محکم و استوار را
برای رشد بعدی آن در راه ترقی اجتماعی تشکیل میدهند
کمک ها و همکاری های اقتصادی اتحاد شوروی برای تحکیم
(ص ۲)

بیا نیہ تاریخی رفیق بیک کارمل

منظور افزایش نیروهای
مسلح از لحاظ کمیت اتخاذ
نمایید. این مسأله مربوط به
هر کدام از ماست.

رفقا !

میخواهم يك مطلب دیگر را خاطر نشان سازم . هر دولت دارای نیرو های مسلح میباشد . داشتن نیرو های مسلح خصوصیت اساسی حاکمیت دولتی است و تحکیم نیرو های مسلح معنی تحکیم این حاکمیت و قدرت است . اما در اینجا بخواهم سوال اصلی مطرح است : این دولت چگونه دولت است و نیرو های مسلح آن چه وظایفی را انجام میدهند . دولت هایی وجود دارند که تعداد اردو و پولیس خویش را افزایش می بخشند ، آنرا با جدید ترین سلاحها برای سرکوب جنبش مردمکرا تیک در داخل کشور و نفوذ و عملیات ساختن اهداف تجاوز کارانه و مداخله مسلحانه در امور سایر خلیقا ، مجهز می سازند . اینها دولت های رتجاعی - امپریالیستی اند که تظاهرات طرفداران مسلح را برانگیزد و مستشاران ککندگان آنرا مورد تهدید ، تعقیب ، تضيیقات ، دستکوب و فشار بیرحمانه قرار میدهند . اینها دول امپریالیستی و در رأس امپریالیزم امریکا العمل سرکشی و ایجاد های جنگی و طیناره دار خود را به سواحل گانه که هزار ها کیلو متر دورتر از کشور خودشان قرار دارد ، می فرستند . اینها تجاوز علیه يك کشور مستقل را تحقق می بخشند . هر یک از فرستادن نیرو های مسلح به کشور های دیگر را بلان می کنند .

ولی ما با تحکیم نیروها ی
صلح ا هذ ا ف ک املا دیگر ی را
نییب می کنیم . هذ ف ما
ست که به مبتکرین جنگ
دام ناشد ه علیه افغانستان
سخ شایسته بد هیم . باند
ی ضد انقلاب را سرکوب
نی نماییم و در سر تاسر
مور شرایط صلح آمیز را
ی ادا مه تحولات انقلابی
طر شکو فانی و ططن
عادت ز حمتکشان ، ایجاد
م . بدیهی است که ما از
ر وسایل سیاسی و
المت آمیز برای تحکیم و
عه حا کمیت ز حمتکشان
استفاده خواهیم کرد.

ی قبل بسیاری ازرقای
مر در این جلسه مسود
ن « ارکان های محلی
ت دولتی و ادار د جمهوری
کرا تیک افغانستان » را
یافت داشته اند . دریافت
ی اجلا سیه شو را ی
بی جمهوری دموکرا تیک
نستان مسود ه قانو
ور را با د نظر داشت
پیشنهادات ، نظریات ،
ل و تکمیل پیشنهادی ،
بررسی قرار خوا هسد

ند از تصویب این قانون
مسائل آینده کار بر رگ
می را برای ایجاد ارگان
حاکمیت زحمتکشان در
علاقه داری ها و اوسوالی
لایات بر مبنای دمو
ک و با در نظر داشت
و عنایت کشور آغاز
م نمود . این کار عظیم
سپس ارگان عالی
در کشور که حکومت را
و قانون اساسی

دا هنوز در آن وضع قرار
 نداریم که شعار دهیم :
 « همه بسوی جبهه نبرد ! »
 اما عمل نکردن و یا درست
 کار نکردن برای افزایش
 کمی و کیفی بیشتر نیروهای
 مسلح را نیز حق نداریم .
 تاریخ دنا لهای زیادی
 از قهر دانی های توده یی را
 در مبارزه با دشمنان و وطن
 به یاد دارد . بیاد داشته باشید
 که ما بی زیادی هم است
 سر مشق بگیریم . از تجربه
 انقلاب کبیر سو سیالیستی
 اکتوبر ، از تجربه جنگ
 داخلی ، جنگ کبیر و طنی
 مردم شوروی علیه فاشیسم
 هتلری به صورت مشخص
 فرا گیریم . بیا موزیم که
 چگونه بشو بکها ، کمونیست
 بتوانستند مردم را متحد
 سازند و از سخت ترین
 و دشوار ترین آزمایش ها
 موفق و پیروز شوند . آنند .

آنها خودشان همیشه در صف مقدم و در قطار اول مبارزه قرار داشتند و توده های مردم را بدینا ل خویش می کشا -
دیندند . همه رهبران حزبی و دولتی ، منشی های کمیته مرکزی ، منشی های سا یس کمیته های حزبی ، و زرا ء با در جبهات بودند یا در ولایات ، در فابریکه ها ، در وزارت به خاطر پیروزی کار و مبارزه می کردند . در آنجا نیرو و قدرت واحد و دینامیک کار و بیکار تسلط داشت این نیروی واحد و اراده حزب خلقی ، و رهبران و توده های حشمتکش هر نوع دشواری ها حتی دشواری های را که بر قابل رفع معلوم میشد از میان می برد . هر یک از ما نیز باید بخاطر پیروزی طمی بدون دروغ از صرف انزای خود ، کار و بیکار نامیم .

من با تأسف باید بگویم که بسیاری از کارمندان هجری حزب، دستگاه دولتی، سازمان های اجتماعی، همه ملی بد وطن هم در مرکز هم در محلات مسوولیت خود را برابر وضع در کشور، در ایات منجمله در امر تحکیم چه بیشتر نیرو های مسلح را ملا درک نمی کنند.

مانیروهای ذخیره برای
یکیم اردو، خاندانی و
ایم این نیروی ذخیره
اضافی هم در کابل و هم در
ایات وجود دارد. در بین
رندگان دولت، در وزارت
ادارات تعداد زیاد
مانند از ضرورت وجود
دک میثوان به خدمت
نیروهای مسلح سوئی
مثلا در سیستم تعلیم
یه چنین افرادی وجود
ند. تا هنوز نه تنها آنان
قوای مسلح سوئی نداده
بلکه حتی به ولایات
که کربود شدید معلمان
سلس میگرد، نفر ستاده

فانیرو هائی اضا فی د ر
ب سازمان جوانان رسایر
ان های اجتماعی داریم
ما جلب واحضا ر به اردو
ویت نمی بخشیم ؟ آیامه
ی که اکنون اسنادمعا
از خدمت عسکری در دست
د اسناد مذكور را بر
ی قانونی اخذ نمود ه
ن از شما که به حیث
مندان رهبری حزب دولت
و وظیفه میکنید جد آرزو
کنم که بر خورد تانرا با
برویم تغییر دهید . شما
تدابیر مشخص را به

در باره تلاشهای تحریر
آمیز و خصمانه برای برهم
زدن دوستی صادقانه، تاریخی،
برادرانه و سنتی افغانستان
و اتحاد شوروی و ادعا برای
خروج قطعات محدود نظامی
اتحاد شوروی که در مسکن
زده میشود باید گفت که ما این
کوشش عار خیز قدامت افروز
و بی شرمانه در امور
داخلی خویش دانسته و اجازه
نمی دهیم حق حاکمیت ما
محدود گردد. این مسأله
مربوط به امور داخلی ماست و
بر اساس اراده مردم ما،
حزب و حکومت ما و طرف
اتحاد شوروی حل میگردد.
قطعات محدود نظامی اتحاد
شوروی بر اساس معاهده
دوستی، همسایگی نیک و
همکاری که پنجمین سالگرد
عقد آن درین روز
ما هم در افغانستان
و هم در اتحاد
شوروی با شکوه و جلال
تجلیل میگردد، به جمهوری
دموکراتیک افغانستان
دعوت شده اند. هنگامی که
علل و عواملی که موجب
دعوت قطعات محدود اتحاد
شوروی گردیده است، از
پیشین برود، آنها بوطن صلح
دوست خود باز خواهند
بگشت.

اینست مو قف اما سسی
ما در سیاست خار جی و در
ابطه با اوضاع اطراف
افغانستان .
حالا به مسایل داخلی می
پردازیم :

وظایف حزب و دولت در
ارصه سیاست داخلي به
طور كامل و روشن در برنامه
اجل، بيان شده است. برای
سپیدن سریع و موفقانه به
اهداف مطروحه لازم است تا
رقدم اول امنیت و صلح
میر تاسری در کشور تا مین
رود.

برای نیل به این امر حلقه
مده عبارات از تحکیم هر چه
بیشتر نیر و های مسلح -
و ، خاندنوی و خاد است .
رب ، حکومت ، سازمان های
قلماعی ، جبهه ملی بدر وطن
و کیم و پشتیبانی تمام
د م همه ملت ها و اقوام
ایل افغانستان و طیفه
دند بدو ن هراس از مشکلات
ام اقدامات ضروری را برای
ویت بیشتر نیرو های
سلح انجام دهند . ما باید
ستوار و مطمئن به پای خود
ستاده شویم و خود ما از
سور خود ، خاک خود ، انقلاب
د ، مردم خود ، حاکمیت
خود ، استقلال ملی و
میت از رضی وطن خود
اع نماییم .

ما باید روح و طنبرستانه
ملیت ما، اقوام و قبایل
ایرستان را از نو بیدار
ازیم. ما باید مدافعان
ای انقلاب، سپاه هیان نیرو-
انقلاب، کروم های پسر
ر ملیشای خارندوی،
مات پر توان ملیشای
داشتنه باشیم. ما باید
ها و دیگر قطعات
و مند و قوی سرحدی
سته باشیم تا از سر خدات
مور دفاع کنند.

ما برای تحقق آرمان هایی
انقلاب ثور به خاطر آن
پیروزی رسید تا آخر
ا کار و وفا دار ی مبارزه
هم کرد. در هنگام
لات، جنگهای اعلام
و یا اعلام نشده (در
نستان جنگ اعلام نشده
پیل گردیده است) همه
م، تمام ملت در مبارزه با
بر می خیزند. البته

گفترانس سران کشور های غیر متسلک ، در اسامیه عمو می ساز مان ملل متحد در دیالو گ غیر مستقیم در زینو به موفقیت های معین نایل آمده اند . موقف افغانستان در روشن و از پشتیبانی قابل ملاحظه بین المللی بر خور دار است . موقفها در دو اعلامیه پر انعطاف و ابتکاری حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که نشر شده بیان گردیده است . پیشنهادات مشخص ما متوجه آنست که مداخله در امور داخلی افغانستان مستقل و آزاد از بیخ و بن قطع گردد . ما به صراحت اعلام داشته ایم که باید تقسیم قوی ونیرو منه بین المللی برای قطع و عدم تجدید تجاوز مسلحانه ومداخلات ارتجاع وامپریالیزم اذخاک های پاکستان وایران داده شود . ما همچنان با صراحت اعلام داشته ایم که در واز های افغانستان بروی تمام هموطنان ما که در نتیجه

تحریکات ضد انقلاب، ارتجاع، امپریالیزم و نیروهای استثمارگر و استثمار سابق و هر عامل دیگری ترك وطن نمود. اند، باز است. حزب و دولت كمك لازم را به آنان میندول خواهند داشت.

اما صریحاً باید گفت که این بر خورد مابین رهبران ضد انقلاب و آن دشمنان مردم افغانستان که مستقیماً اجیران تیپیک سی. آی. ای ایالات متحدہ امریکا اند ، نمی گردد .

ما هرگز این‌ها پند
بوطن را به حیث اتباع
افغانستان نمی‌شناسیم .
آنها که به خارج از کشور
رفتند و برای خود
بناهاگه درست کردند ، مانندمار
فطر ناکی اند که در زیر
سنگ کمین گرفته باشند .
آنها هستند که از طریق
دور ، ظلم ، تهدید ، تطبیع
فریب ، باند های آدم کشان
تتشکیل داده و مخفیانه
جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان اعزام میدارند . آنها
معدن و اعمال شوم خویش
را تحت شعار دروغین
بازار به خاطر اسلام و
آزادی پرده پوشی می‌کنند .

در دینجا ، در جمہوری
توکرا تیک افغانستان هیچ
بہدیدی متوجہ اسلام و آزادی
ہست . هدف واقعی این
ہیں کاملاً چیز دیگریست .
ہم میخواستہ قدرت را بہ
گرفتہ تا افغانستان را
قوت وسطی باز گردانند .
حق ما را محکوم بہ تاریکی ،
سودای و محرومیت از
بوق خویش سازند و
مستکشان ما را اسیر یوغ

مستعمار جدید نمایند . فقط
خاطر همین اعداد ف شوم
که آنها خون هموطنان
می ریزند و در سر زمین
بستانی و صلح خواه افغا -
ستان تخم دشمنی ، مرگ و
زما را می پاشند . ما به آیین
نیان ، مردتان و وطن -
شان نافرین می فرستیم
و صریح اعلام میداریم
حاضر به هر چه کمتر یمن
سالحه با آنها نخواهیم

مستقیماً علیه افغانستان متوجه است.

شما، همه با اعلامیه قاطع و مصمم رفیق پوری ولادیمیر- وچ اندرو پو ف عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در رابطه با آغاز تحقق پلان های جابجا ساختن راکت های جدید هستوی آمریکا در اروپای غربی، آشنا شده اید. شما از اعلامیه های افغانستان در مورد نیت اطلاع دارید. حزب ما، دولت و مردم افغانستان در اوضاع و احوال کنونی که جهان، بشریت و تمدن آن با تهدید جدی جنگ هستوی مواجه است، در بهلولی اتحاد شوروی و دیگر نیروهای صلح در جهان قرارداد. پشتیبانی از صلح عمده ترین و اساسی ترین وظیفه ما و تمام سیاست خارجی ما متوجه اجرای این وظیفه است. موقف ما در باره دیگر مسائل بین المللی نیز به همان روش است. این موقف در «برنامه عمل» سایر اسناد حزب و اعلامیه های حکومت انعکاس یافته است.

سوال بمان می آید: آیا ما می توانیم مستقیماً بطور بلا واسطه صلح را در سر تا سر جهان تأمین نماییم؟ نه. در عمل و براتیک ممکن نیست. آیا این بدان معنی است که ما هیچ راه تأثیر برای تخفیف تشنج اوضاع بین المللی نداریم؟ چنین فکر کردن نادرست است و چنین راه ها و طرق وجود دارد. و عمده ترین آن در قدم اول عبارت است از استقرار صلح و امنیت در عمل و نه در حرف در کشور خود ما، تقویت مبارزه با ضد انقلاب که آشکارا از جانب نیروهای ارتجاعی و در قدم اول نظامی گران پاکستان و مرتجعین دست راستی ایران پشتیبانی و از جانب امپریالیسم آمریکا تمویل و تجهیز می گردند. اما ی سریع و کارآمد انقلاب نه تنها وظیفه داخلی ما است بلکه سهم عظیم جمهوری دموکراتیک افغانستان در امر تحکیم صلح و ثبات در منطقه، آسیا و حتی جهان خواهد بود. بر اساس احساسات مسوولیت در برابر بشریت، بر اساس احساسات مسوولیت ملی و تاریخی، بر اساس احساسات انترناسیونالیستی و بنابه وطن پرستان ما نه تنها باید این وظیفه عظیم را به رستی درک کنیم بلکه با خاطر آن باید تمام خرد و بازی ها و خرده گیری ها را کنار گذاشته همه دست به دست هم داده شهر به شهر، ده به ده، قریه به قریه، قشلاق به قشلاق در میان مردم رویم. مرور است تا همه نیروهای وجودا بسیج نموده و برای برآوردن موفقانه این وظیفه بطور خستگی ناپذیر کار کنیم.

شما از توطن ها و دیاسپراپرالیزم و تبلیغات دروغین تحریکاتی که در رابطه با مسائل اطراف افغانستان راه انداخته شده است ناامید می باشید. ما سیاست خارجی ما علی الرغم مشکلات، استوار و بیامان به پیش می رود. ایت دیپلوماتیک ما، ایت سیاستمدان جمهوری و کراتیک افغانستان در بحران بین المللی، در

این با آن فر حله تکامل
انقلاب برای حزب حاکم
ودولتی که نمایندگی
زحمتکشان می نمایند
عظیم است وحتی زیان جبران
ناپذیر را به انقلاب وارد می
کند. ماهیخته باید این
(توصیه) رابه یاد داشت
باشیم.

اکنون با سپری شده ز
چهارسال از مرحله نویر
انقلاب ثور، که واقعا
گفت انقلاب شکوهمند وکبیر
ثور، ما اسناد مهم و معتبری
مانند «برنامه عمل»، «اصول
اساسی جمهوری دموکراتیک
افغانستان»، تصامیم و فیصله
های کنفرانس سر تا سر
حزب و اسناد و مصوبات
دوازده پلینوم کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغان
نستان و ده ها سند حزبی و
دولتی دیگر را در اختیار داریم
این تصامیم قسماً تطبیق شده
اند. اکنون وظیفه میر و
عاجل ما اینست که تمام
تصامیمی را که در این اسناد
انعکاس یافته اند، کاملاً
تطبیق نماییم تا همه آنچه را
که در صفحات کاغذ درج
است، در عمل وپراتیک
بناده کنیم.

موارد فاز نوین فعا لیت
 خود می گردیم و باید به
 بلکه ن جدید و عالی تر تکامل
 انقلابی بالا رویم . بدستور
 بیوروی سیاسی کمیته
 مرکزی حزب دموکرا تیک
 خلق افغانستان ، اینجانب در
 جلسه امروزی اعضای کمیته
 مرکزی ، شورای انقلاب و
 حکومت جمهوری دموکرا -
 تیک افغانستان ، روسای
 سازمان های اجتماعه عی
 کشور، سایر کارمندان زهبری
 حزب و دولت ، منجمله ار دو،
 خاندن و خاد باید واضح
 سازم که مضمون فاز نوین
 چیست و مطالباتی که این
 فاز مطرح میکند کدام است ؟
 قبل از این که به توضیح
 این مساله بپردازم ، میخواهم
 در بار بعضی از مسایل
 عمومی صحبت کنم .

يك نگاه کوتاه به اوضاع
 بگوئي جهان :
 عمده ترين و اساسي
 ترين جهت در وضع بين -
 المللي كنوني کدام است ؟
 البته، مبارزه به خاطر حفظ
 صلح پايدار جهاني و قطع
 مسابقات تسليحاتي و به
 خصوص تسليحات هستوي.
 كشورهاي سرما به دارى
 غرب و نمايندگان كنمپلكس
 جنگي - صنعتي امپرياليستي
 وبه خصوص در سال هاي
 اخير اداره ريگن تلاش مي
 ورزند بابرهم زدن موازنه
 تقريبي نيروها به تفوق
 و برترى نظامي بر اتحاد
 شوروي دست يابند و از اين
 طريق با تهديد سلاح هستوي
 تسلط و تهاجمات و كاسه -
 ايالات متحده امريكا را بر
 جهان تامين كنند .

سیاست مآرجوایانه
امپریالیسم آمریکا، عملاً در
همه جا هم در اروپای غربی،
جاییکه آمریکا علی‌الرغم اراده
مردمان آن، به تمرکزرا کت‌های
جدیده هستوی خود آغا ز نموده
است، هم در شرق میانه و
دیگر، در لبنان، در
امریکای لاتین، جاییکه ایالات
متحده آمریکا کشور کوچک
گرنادا را اشغال نمودوبرای
مآجوز علیه نیکاراگوای انقلاب
ی آزادی می‌گیرد، در
همه جا، کاملاً مشهود و
واضح دیده میشود. ایمن
سیاست مآرجوایانه

در نتیجه پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک نور د افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنابر اراده مردم افغانستان و به اشتراک مردم صورت گرفت، برای نخستین بار در تاریخ کشور، حاکمیت زحمتکشان استقرار یافت از زمان پیروزی انقلاب نو پنج سال و هفت ماه و مرحله دوم آن تقریباً چهار سال سپری شده است. طی این مدت، علی الرغم دشواری ها، تجاوزات مسلحانه و مداخلات ارتجاعی امپریالیستی، توطئه های دشمنان انقلاب و مداخلات طبقات استثمارگر سابق ما به موفقیت های نایاب آمده ایم.

من قبلاً گفته ام و بار دیگر خاطرنشان می سازم، که در دو دهه اخیر در کشور تعداد زیاد سازمان ها، گروه های وجود داشتند که شعار قیام مسلحانه و خشونت جنگ بارتیرانی را مطرح می کردند. اما، فقط حزب ما بر پایه ارزیابی دقیق شرایط و تعیین استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی موفق گردید علی الرغم استبداد خشن سلطنتی، دیاسیس و توطئه های سی. آی. ای ایالات متحده امریکا و دشواری های درونی با استفاده از اشکال مختلف مبارزه سرانجام قیام مسلحانه دست یازید و سیادت سیاسی و طبقاتی استثمارگران را سرنگون و حاکمیت زحمتکشان را استقرار بخشید. چنانکه بارها خاطرنشان ساخته ام اینجا این رسالت خدمت عظیم تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

مسئله اگر اشتباهاتی که حزب دولت مرتکب گردید، رخنه های دستاوردهای ما از اینهم بزرگتر می بود، هنگامی که من در یکی از جلسات در باره اشتباهات حرف می زدم در چهاردهم بعضی از رفقا علایم و آثار بی مشاعده می رسید، اما باید خاطر نشان کرد که رشد پیروز مندان به پیرویه انقلابی در کشور و به صورت کل حرکت ما به پیش بدون ارزیابی و تحلیل دقیق و انتقادی جوانب مثبت فعالیت ها و هم نقایص، اشتباهات و آنحرافات ممکن نیست. بآنکه، آنچه در مرحله اول انقلاب رخ داده دیگر جزء تاریخ است، ما موظف هستیم از گذشته نتیجه گیری کنیم، از اشتباهات خود درس عبرت بگیریم تا در آینده تکرار نکرده و فعالیت خویش را در مرحله نوین انقلاب ارزیابی انتقادی نماییم.

لنین بزرگ، رهبر پرولتاریای جهان تأکید ورزیده است که تمام نهضت ها و جنبش های انقلابی، همه احزاب مترقی و انقلابی، بخصوص احزاب حاکم طبقه کارگر باید محتوی هر مرحله انقلاب را با اتکاء بر تحلیل عمیق شرایط و اوضاع و احوال مشخص تاریخی تشخیص دهند. لنین می آموخت که ((باید مشی عمو می، میثود ها، اشکال و اسلوب کار حزب مطابق به هر مرحله معین تکامل تدوین و تنظیم گردد. نتیجتاً در آن صورت است که امر انقلاب و حزب به پیروزی فاعلی می انجامد.))

ج. د. ا. را تصویب میکند تکمیل خواهد شد. همه اینها وظایفی است که عیلا نسج یافته است. حزب، حکومت، ساز مان های اجتماعى جنبه ملی پدر وطن به کمک وبشتیانی مردم و در پیوند نزدیک و محکم با آن ها باید این پلان ها را در عمل تحقق بخشند.

به طور مختصر در باره پروبلم های اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و برخی پروبلم های دیگر صحبت کنیم:

همه این مسائل ده کنفرانس سر تاسری، درپلنوم های کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. به طور مفصل بررسی شده اند و ضرور نیست موقتاً در این جلسه در باره آنها به تفصیل تشریح گردد. امروز من آگاهانه می خواهم توجه شما را بیک موضوع متمرکز سازم: پیروی سیاسى کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان منتخب المجموعه از فعالیت کمیته های حزبی، وزارت ها و ادارات، ساز مان های اجتماعى یعنی از فعالیت کارمندان رهبری این ارگان ها در امر تحقیق وظایف مطروحه را ضعیف نیست.

رفقا! کارمندان ایدرات دولتی، رهبری شعبات اقتصاد، زراعت، اصلاحات ارضی، کوپراتیف ها و تجارت کمیته مرکزی، روسای دیگر ادارات مربوط سکتور اقتصادى، کار بخش ها و رشته های اقتصادى ما قطعاً و قطعاً پاسخگوی مطالبات و آرمان انقلاب مردم نیست. رشته های اقتصادى و در درجه اول زراعت، برای اینکه کشور ما کشور زراعتى است، باید هر چه بیشتر مواد غذایی برای مردم، مواد خام برای صنایع، کالاها برای صادرات تهیه کند. باید به صنایع دستى مردم توجه جدی صورت گیرد.

اصلاحات ارضى که مرکز ثقل انقلاب ملی-دموکراتیک ضد فئودالی و وظیفه آن است، به کندی پیش می رود. برای حل مسئله آب از چاهب ارگان های مربوط حزبی و دولتی قطعاً بر خورد جدی صورت نگرفته و کار بسیار کم انجام یافته است. کار

اتحادیه کوپراتیف های دهقانی به بهبود قابل ملاحظه نیاز دارد. این تذکرات انتقادى به ساحت دیگر فعالیت اقتصادى نیز وارد است. گرچه برای رشد و توسعه ترانسپورت بنابه شا هرگ اقتصاد کشور کار زیاد صورت گرفته است، اما هنوز کاملاً در انجام وظایف موفق نیست. در مورد وضع تجارت گاهى برای من اطلاعات خوشبینانه و گاهى بدبینانه ارا نه میدارند. اما آنچه که فعلاً در عرصه تجارت داخلی و خارجی صورت میگیرد واضحاً کافی نیست. باید توجه جدی به بهبود وضع پولی و مالی صورت گیرد. رهبری وزارت مالیه و مسوولین بانکها در رفع دشواری ها و بهبود وضع در ساختن پولی و مالی از خود ابتکار نشان نمی دهند.

باید به مساله صرفه جویی و مبارزه با اسراف توجه جدی

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

صورت گیرد. ما باید به آن نقطه برسیم که مصرف یک افغانی، یک پارچه نان، یک پارچه گوشت، یک متر تکه، یک قطر و روغن و تیل و غیره و غیره را جدماً محاسبه و کنترل نماییم. هر مرمی ما باید بسینه دشمن اصابت کند. ما انقلابیون، باید به دارایی های عامه و وسایل دولت بر خورد دلسوزانه و با احتیاط داشته باشیم و از هر گونه مصرف اضافی و غیرمعمول جلوگیری کنیم. اصراف بنابه مرض واگیر وبلائی است که اگر با آن مبارزه قاطع و بی امان صورت نگیرد همه تار و پود دولت و حزب را مصاب می سازد. باید ارگان های دولتی تفتیش و کنترل و هم کمیسیون کنترل حزبی را برای جلوگیری از این مرض فعال ساخت.

ما باید فیصله های پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را اجرا کنیم. اقتصاد ما طی سالجاری وسال آینده باید به سطح سال ۱۳۵۷ برسد. وظیفه عمده در عرصه اقتصاد برای سال های نزدیک همین طرز طرح شده است. اجازه بدهید از رئیس کمیته دولتی پلان گذاری، وزراء و معاونین آنان، روسای شعبات کمیته مرکزی و سایر مسوولین امور اقتصادى که در اینجا حاضرند بیرسم: آیا وضع کنونی اقتصاد مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته؟ آیا تدابیرى طرح واتخاذ گردیده تا اجرای وظایفی که یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. مطرح ساخته است تأمین گردد؟

رشد و تحکیم اقتصادات تأثیر مستقیم بالای حل مسئله پروبلم های حیات جامعه ما دارد. با تحکیم اقتصاد ما می توانیم پروگرام اجتماعى خود را سریع تر و کاملاً تحقق بخشیم و ارتقای سطح زندگی ما دی و فرهنگی مردم را تا مین کنیم. در این جهت باید کار بسیار بزرگ ساز مان داده شود: منیحت نمونه امحای پیسودی را مثال میدهم که یکی از قانون مندی های انقلاب های اجتماعى مترقی است. در این ساحت مافوق العاده بطی و کند و بی اعتنا حرکت می کنیم. من همه دلایل را دارم که بگویم احصائیه های در مورد سواد آموزی غیر دقیق و غیر واقعی اند. همچنان ما نمی توانیم ادعا کنیم که از وضع تعلیم و تربیه در مکاتب و موسسات متوسط مصلکی و موسسات عالی تعلیمى و خدمات صحی برای مردم را ضعیف هستیم.

در عرصه سیاست ملی حزب و سیاست آن در رابطه با روحانیون همه طر حباهى عملی نشده و گام های جدی، قاطع و مشهود در این ساحت برنداشته ایم. حتی کار تبلیغی در میان روحانیون و توضیح حقیقت در باره انقلاب و موقت حزب رانتوا - نیست. این به طور شایده باید لازم ساز مان دهیم.

بسیاری از شما به مسایل ویدیده ها سطحی و مجرد بدون درک عمیق آنها برخورد نموده اید. این میتود و این طرز برخورد نا درست است

و به طور قاطع باید آنرا ریشه کن ساخت.

برای موفقیت هر حزب سیاسى مساله جلب متحدین بسوی خود اهمیت فراوان دارد. به عام ترین شکل این متحدین عبارت از آن طبقات، قشر ها و گروه های جامعه است که از سیاست حزب پشتیبانی میکنند و یا می توانند پشتیبانی کند و علیه آن حزب و در ضدیت با آن قرار نمی گیرد. من نمیخواهم در مورد این موضوع با تفصیل حرف بزنم، زیرا نیازمند وقت کافی است. اما در رابطه با آن میخواهم مطلب زیرین را خاطر نشان سازم. در نزد همه معیارهای برخورد درست نسبت به جلب مردم، نیرو های ملی-دموکراتیک، وطنپرست و مترقی جامعه بسوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجود ندارد. ما موظف هستیم حلقه متحدین خویش را وسیع بسازیم نباید فقط به این اتکاء کرد که این متحد، دیروز چه روشی داشت، کی بود. امروز و با شما است. از شما پشتیبانی میکنند شما را تأیید میکنند و همراه همگام باشا حرکت میکنند از این میز عده در رفتار و ی باید استفاده کرد. این شعار ما، تاکتیک و شیوه ماست. به آنانی که بیطرف هستند، علیه ما سلاح بر نمی دارند، کار شکنی نمی کنند و بادشمن پیوند ندارند، نیز باید برخورد خوب و رعایت داشت و آنان را با طرف خود جلب کرد یکبار صلح و امنیت را در کشور تأمین کنید، در قلوب و عقول مردم بطور قطعی نفوذ کنید که مردم، حزب، حکومت و دولت زاینده اند و همیشه باشا یکجا باشند، و در آن وقت ما می توانیم با آنانی که هنوز از ما پشتیبانی نمی کنند، همراه و همگام با ما نمی روند بدو یک میز نشسته عدم تفاقم و اختلاف فات را حل نماییم. البته ما باید کار جلب متحدین را امروز پیش ببریم و پیش می بریم، اما در آنوقت مرحله دیگر از تکامل انقلاب و شرابط دیگرى و مساعد تری خواهد بود.

مخصوصاً باید ضرورت برخورد درست با متخصصان غیر حزبی-کارمندان دستگاه دولت، انجمنیان و تکنیکران، معلمان و استادان موسسات تعلیمى، کارمندان طبی و غیره را خاطر نشان ساخت. اکثر آنان دستیاران و یاوران نیرومند شما اند، از شما در کار ها و فعالیت های آنان پشتیبانی میکنند. این افراد دانش، استعداد و قدرت خود را در خدمت حزب و دولت قرار داده اند. ما می دانیم که و شنفکر انسى وجود داشتند که به وطن خیانت کردند و به غرب فرار نموده اند. اما آنانی را که در افغانستان باقی مانده اند، نسبت به حکومت و قار دارند و صادقانه واز روی وجدان زحمت می کشند باید به حیث وطنپرستان احترام کرد. باید به آنان مطابق به دانش و تجرب به شان امکانات کار و

فعالیت در مقامات دولتی هم در ولایات مهیا گردد.

هدف من عطف توجه شما به مساله برخورد با مردم است. شما میدانید، خواننده اید که در وقت انقلاب، در وقت جنگها، در دشواری ترین اوضاع و احوال، هنگامیکه موضوع مرگ و زندگی مطرح بوده حزب کمونیست اتحاد شوروی این شعار را به پیش کشیده که «کمونیست ها به پیش! حزبى ها همیشه هم در جنگ و هم در کار در صف اول قرار داشته اند و آنها پیش آهنگ بوده اند و توده های مردم به عقب شان آمده اند. ضرور است که اعضاى حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان در همه جا در برخورد و رفتار خود، در اوضاع جنگی، در زندگی شخصی باید نمونه وایدا ل مردم و کشور خود باشند.

مانونه های تاریخی بسیاری در کشور خود، نمونه عیاران سیستم و هرات، نمونه جوان مردان کنده هاری و کابل را داریم. چنین گروه های شجاع و دلیر و نمونه های برانزده در پکتیا و سایر مناطق کشور نیز وجود داشتند. ما درین پدران، اجداد و نیاکان ما در تمام ملیت ها و اقوام افغانستان چنین نمونه های بزرگ را داریم. ما، حزبى ها از همه اول باید در تمام شوون زندگى و مخاطرات و در تقوای زندگی و در حیات خصوصى خود در صف مقدم باشیم و بدو چه اول سینه های خود را سپر دفاع از وطن و انقلاب سازیم. ما باید همه مردم را بدنبال خویش بکشانیم و در همه عرصه ها و حوادث زندگى چنین عمل نماییم.

خوب، حالا اکثر اینکسانه را پیش می کشند و می گویند فلان کار نشد، زیرا امنیت وجود ندارد. واقعاً شرایط صلح آمیز نه بلکه جنگ است و حزب متحمل تلفاتى میگردد. اما من از شما می پرسم و شما هم صریح و صادقانه بگوید: آیا هنگامیکه انقلاب به پیروزی رسید ما در این فکر بودیم که همه چیز بدون قربانی انجام می یابد؟ انقلابى واقعی و عضو واقعی حزب با صداقت و از روی وجدان کار میکنند و وظیفه خود را در شرایط ناگون حتی و قتی که تهدید به زندگی شخصی و مرگ احتمالی و وجود دارد، انجام میدهد. در قداموس مان باید کلماتی چون «نمی توانم» و «نا ممکن» وجود داشته باشد. انقلاب نا ممکن را ممکن میسازد.

من از آنچه که در بالا گفتم، میتوانم این نتیجه گیری را بکنم: جریان رشد حوادث در عرصه جهانی، وضع در داخل کشور و حزب، وظایف بزرگ و پیچیده ای که ما باید انجام دهیم از هر کدام ما وحدت، احساس هر چه بیشتر مسوولیت، آگاهی، تسلیل پذیری، ابتکار، توانایی برای کار درست، صرف وقت کامل دانش، استعداد، نیرو های معنوی و فزینگی ما را می خواهد.

تحقق عملی این مطالبات

محتوی فاز نوین را میسازد. این فاز که من در باره آن صحبت کردم واقعیت انقلابى ما را غنا بخشید و پیشرفت ما را سریع میسازد.

بدین ترتیب رفقا، هدف جلسه امروز مطلع ساختن شما رفقا از مطالبات کمیته مرکزی بیروى سیاسى کمیته مرکزی کارمندان رهبری حزب دولت، از همه فعالین، از سازماندهان کار ارگان های حزبی و دولتی می طلبید و اجرای آنرا جدا و قاطعانه می خواهد و خواهد خواست. این مطالبات نظر واحد و یگانه همه اعضاى بیروى سیاسى و دارالانشای کمیته مرکزی، موقف کارمندان رهبری، ارگان های حزبی را انعکاس داد و ناشی از خواست زندگی، ناشی از خواست مردم، اراده مردم و ناشی از قانون انقلاب ماست.

اکنون در باره بعضی مسائل و نکات مشخص که باید در فاز نوین مرحله نوین، جدی و درست به آن توجه شود، اشاره می کنیم. من قبلاً گفتم که امروز توجه عمده خود را معطوف به کمبود ها و نقایص می سازیم. بیایید فکر کنیم که چه کسی مسوولیت دارد تا این نقایص و کمبود ها را رفع کند؟ البته روشن است که حزب بنابه نیروی رهبری قنده و هدایت کننده جدا مسوولیت دارد. اگر نقایصی وجود دارد، پس حزب در رهبری جامعه، سازمان های اجتماعى، مردم و انقلاب اشتباهات، نارسایی ها و عدم دقت هایی زامرتکب شده است. پس باید سوال عمده را اینطور طرح کرد: برای اینکه از نقایص موجود در آینده مبرا بود، برای رفع نارسایی ها و اوقاد ماست نادرست باید بخود حزب توجه جدی و اساسی رانمود.

ما میدانیم که چه چیزى کلید حل همه پروبلم ها و حلقه اساسی و عمده است که با چنگ زدن به آن میتوان تمام زنجیر را بدست آورد. با چنگ زدن به این حلقه ما میتوانیم چون ماهی گیر نیرو مند و ما هر که با انداختن درست جال ز یادترین تعداد ماهی هارا میگیرد، مسایل دیگر را حل کنیم. این حلقه عبارتست از مساله وحدت حزب.

مساله وحدت حزب، به مثابه مساله مهم، درجه یک و حیاتی با هر در پلینوم های کمیته مرکزی و در کنفرانس سرتاسرى حزب نیز مطرح شده است. امروز باز هم در باره وحدت ارگانیک و واقعی حزب صحبت می کنم. شما، بحث کارمندان رهبری خوب میدانید که هنوز هم مواردی از اعتراف به ضرورت وحدت در حرف و نقض آن و حتی خیانت به وحدت در عمل به مشاهده می رسد.

سوال پیش می آید که چرا ما طی چهار سال مرحله نوین انقلاب در باره وحدت حرف می زنیم؟ بیایید تاریخ حزب خود را بیاد آوریم. بسیاری از شما شاهد همه مراحل تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنیاد گذاری و رشد آن بوده اید

بیانیه تاریخی رفیق ببرک کارمل

شما جوانب ضعیف آنرا می دانید: در گذشته حزب به گروه ها تقسیم شده از لحاظ سازمانی، ناتوان و بیار چه بارچه و آمادگی ایدئولوژیک اعضاى حزب غیر کافی بود. دریک کلمه، چه چیز ها یی که در حزب وجود نداشت، بعد از انقلاب و هم بدو از مرحله نوین بسیاری از این خصوصیات و جهات ضعیف در درون حزب، در وجود خود ما باقی ماند، زیرا نمی توانست فوراً و بلا معلقى از شعور، رفتار و اعمال ما ناپدید گردد.

خوب با این وضع رهبری حزب در مرحله نوین چگونه باید برخورد می کرد؟ مافکر می کنیم که زمان معین لازم بود تا در حزب پروبلم وحدت را عمیقاً درک و هضم نمایند. زمان لازم بود تا بار سنگین اشتباهات گذشته، گمراهی ها، بدبینی ها و حتی در بعضی حالات دشمنی ها و خصوصاً هانسبت به یکدیگر بدو ر انداخته شود. توضیح واضح و میتود اقناع و تربیت ما موظف هستیم از تدابیر دیگر اثر بخشی بالای کسانیکه وحدت در حزب را نقض میکنند تاسر حد مجازات و اخراج از ج. د. خ. ا. نیز استفاده کنیم و استفاد همی کنیم. این حرف های میان نهی نیست.

در مورد وحدت چی می گویند؟ «خلقى» و «پرچمى» چیست؟ بیایید یکبار دیگر با هم در این زمینه ببیندیم ما هیچ وقت بین خود نگفته ایم که این چنین است و آن دیگری چنان. در همان بدو امر انقلاب مرحوم نور محمد تره کی طی مصاحبه مطبوعاتی در برابر ژورنال لیست های خارجی در باره اصطلاح «خلقى» و «پرچمى» جواب داد و گفت که «برادر این یک چیز قابل قبول نیست و ما این طور چیزی را نمی شناسیم. حزب ما ج. د. خ. ا. است «خلق» و «پرچم» ارگان های نشراتی حزب ماست. هر دوی آن به حزب ما متعلق است.»

منجمله رفیق بارق به حیث مدیر مسوول جریده «خلق» بیاد دارند که بار اول کلمه «خلقى» را من در مقاله «راه ها و وسایل...» در جریده خلق بکار بردم.

(بارق شفیعى: «بلى همین طور است، شما نوشته کردید.») پس رفقا بگویند. اگر این اصطلاح را برای بحسیس بار در حزب ما استعمال کردم آیا من خلقى اول نیستم؟ اما من جدی حرف میزنم بدون مزاح. اگر حقی بود به معنی تعلق به کدام بخشى یافر کسیون در حزب نه، بلکه به معنی رابطه و تعلق به همه خلقهاى افغانستان بدون تبعیض و تمایز اعم از پشتون ها، تاجیکها، ازبکها، هزاره ها، ترکمن ها، نورستانی ها، بلوچها و غیره و غیره است به معنی مبارزه راه سعادت همه مردمان افغانستان است، در آن صورت افتخار میکنم و با غرور و سر بلندى نام خلقى اول را قبول دارم.

اما اگر تحت کلمه «خلقى» سکت، فرکسیون و گروه در حزب مدنظر باشد، در آنصورت با تمام نیرو و تا آخرین قطره خون علیه چنین سکتاریزم «خلقى» که وحدت حزب را مختل میسازد، مبارزه خواهیم کرد. (ص ۵)

انقلاب را به پیش می بردیم، صد ها پروبلم پیچیده و راه برای شما معلوم است حل می کردیم. اردو و واقعی قادر به دفاع از انقلاب را مى ساختیم که در لحظه آغاز مرحله نوین انقلاب هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت در پایین ترین سطح قرار داشت. دوستان مادرین امر نیز با کمک کردند. دشواری های دیگرى نیز وجود داشت. اما اکنون حزب و دولت نیرو می گیرد و ما تجاربى اندوخته ایم. همه اساسات لازم و دلایل را داریم تا سطح مطالبات و مسوولیت افراد را در پرا عمال رفتار و کارشان ارتقا بخشیم. حالا دیگر به موازات توضیح واقعا و تجدید تربیت ما موظف هستیم از تدابیر دیگر اثر بخشی بالای کسانیکه وحدت در حزب را نقض میکنند تاسر حد مجازات و اخراج از ج. د. خ. ا. نیز استفاده کنیم و استفاد همی کنیم. این حرف های میان نهی نیست.

در مورد وحدت چی می گویند؟ «خلقى» و «پرچمى» چیست؟ بیایید یکبار دیگر با هم در این زمینه ببیندیم ما هیچ وقت بین خود نگفته ایم که این چنین است و آن دیگری چنان. در همان بدو امر انقلاب مرحوم نور محمد تره کی طی مصاحبه مطبوعاتی در برابر ژورنال لیست های خارجی در باره اصطلاح «خلقى» و «پرچمى» جواب داد و گفت که «برادر این یک چیز قابل قبول نیست و ما این طور چیزی را نمی شناسیم. حزب ما ج. د. خ. ا. است «خلق» و «پرچم» ارگان های نشراتی حزب ماست. هر دوی آن به حزب ما متعلق است.»

منجمله رفیق بارق به حیث مدیر مسوول جریده «خلق» بیاد دارند که بار اول کلمه «خلقى» را من در مقاله «راه ها و وسایل...» در جریده خلق بکار بردم.

(بارق شفیعى: «بلى همین طور است، شما نوشته کردید.») پس رفقا بگویند. اگر این اصطلاح را برای بحسیس بار در حزب ما استعمال کردم آیا من خلقى اول نیستم؟ اما من جدی حرف میزنم بدون مزاح. اگر حقی بود به معنی تعلق به کدام بخشى یافر کسیون در حزب نه، بلکه به معنی رابطه و تعلق به همه خلقهاى افغانستان بدون تبعیض و تمایز اعم از پشتون ها، تاجیکها، ازبکها، هزاره ها، ترکمن ها، نورستانی ها، بلوچها و غیره و غیره است به معنی مبارزه راه سعادت همه مردمان افغانستان است، در آن صورت افتخار میکنم و با غرور و سر بلندى نام خلقى اول را قبول دارم.

اما اگر تحت کلمه «خلقى» سکت، فرکسیون و گروه در حزب مدنظر باشد، در آنصورت با تمام نیرو و تا آخرین قطره خون علیه چنین سکتاریزم «خلقى» که وحدت حزب را مختل میسازد، مبارزه خواهیم کرد. (ص ۵)

(بقیه صفحه چهارم)

بیانیه تاریخی رفیق برک کارمل

در باره اصطلاح دیگر یعنی «پرچی» اگر منظور از خود اصطلاح باشد به تنهایی خود هیچ چیز را بیان نمیکنند. اگر کسی میگوید پرچی هستم معنایش چیست؟ اگر پرچی خلقی نباشد میتواند رنگ سفید، سبز، هر رنگی دیگر حتی سیاه داشته و از دشمن باشد. پس مساله نه پرس نام و اصطلاح بلکه روی محتوی مساله است.

در اینجا چند نفر از موسسان حزب وجود دارند. رفقا بیاد دارند. ما همه در مسایل عمده مواضع مشترک داشتیم. یکجا ارگان نشراتی «خلق» را ایجاد کردیم، با هم مبارزات پارلمانی را پیش بردیم در همه مراحل مبارزه ما دشمنان مشترک و دوستان مشترک داشتیم. ما ایدئولوژی واحد، نقطه نظر مشترک در مورد مسایل بین المللی و ارزیابی همگون از وضع منطقه داشته ایم. اتحاد شوروی دوست مطمئن حزب ما بود اصولاً ما نمیخواهیم که در این راه اختلافات درونی در نتیجه تحریک و تفتین دشمن بماند و ما از هم جدا شدیم. در هر حال علت انشعاب و اختلافات در درون حزب، به اثر تحریکات عمال ارتجاع و اموریالیزم در درون حزب بود.

ما خواهم خاطر نشان سازم که دشمنان ما از طریق رادیوهای غرب به کمک ترجمین پاکستانی و ترجمین دست راستی ایرانی اکنون نیز تلاش میورزند با استفاده از اصطلاحات «خلق» و «پرچی» در حزب ما تفرقه و دوگانگی را ایجاد و پستیایی نمیکنند. شرم و ننگ به آنانی که تسلیم تفتینهای دشمن شده و ارمانهای مقدس و عظیم انقلاب نور را فراموش میکنند.

من بشما با صراحت میگویم، آنانی که خود را «پرچی» مینامند و هم رفقای شما استوار که خود را «پرچی» مینامند اشتباهات زیاد کردهاند. در اینجا کسی برکس دیگر رجحان ندارد.

شما میدانید، که در پس او آخر کلمات «خلق» و «پرچی» را بخاطر اینکه تفسیر نادرست و سوء صورت نگیرد، استعمال نمیکردیم. لیکن با درک اصولی، درست و حزبی چرا از استعمال آنها خود داری کنیم؟ اگر کسی مفهوم تفتین را در زیر این نامها مستور نسازد باید گفت که هر دو اصطلاح از افتخارات حزب ما و بخشی از تاریخ آن است. و نباید هراس داشت که در مغز شیطان کسی در قبایل ما افکار ناپاک بوجود میآید. و اگر در نزد کسی افکار نادرست وجود میآید، مهم نیست هر کسی باشد، از جمله به اصطلاح «خلق» های سابق، یا «پرچی» های سابق و یا از هر گروه و سکت پنهانی دیگر که در حال تشکل است و یا موجود است، باز هم نیروهای اصولی و وفادار حزب باید تا آخر علیه آنها مبارزه کنند. رفقا! شما بامن مواضع هستید؟

از سالون «بلی» رفقا! توجه کنید:

ما باتامین وحدت در حزب برای نخستین بار در تاریخ افغانستان جهان کهنه را عوض کردیم و بنیاد جامه نوین را گذاشتیم. این کار ساده نبود. فقط و قتیکه بعد از انشعاب و وحدت حزب تا مین شد انقلاب نور پیروز گردید و مرحله نویسن انقلاب؟ آیا پیروزی آن می تواند به حیث خدمت کدام شخصیت، کدام یک از شما یا من به تنهایی حساب شود؟ مثلاً شما رفیق وطنجار در این مورد چگو نه فکر می کنید؟

(رفیق وطنجار می ایستد و روبرو طرف سالون نموده می گوید: «مرحله نوین انقلاب نور به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان بماند»)

رفقا! پس رمز پیروزی های ما در چیست؟ بدرجه اول در وحدت و یکپارچگی حزب. مهمترین عامل پیروزی ما وحدت عام و تام سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی از بالا تا پایین است. نه تنها کادرهای رهبری حزب و دولت بلکه تمام حزب و در مجموع باید مساله وحدت را فقط همین طور درک کنند. همه ما از ارمان های انقلاب نور دفاع می کنیم، همه ما تیوری انقلابی علمی رارهنمای عمل قرار داده ایم، همه ما به مردم زحمتکش افغانستان خدمت می نمایم، همه ما اعضای حزب واحد - حزب دموکراتیک خلق افغانستان هستیم. ما همه وطنپرستان و انترناسیونالیستان و وفادار و صادق هستیم، در خانواده واحد، در خانه واحد زندگی و بیکار می کنیم، زندگی شگوفان و نوین را، ایجاد می کنیم و به خاطر سعادت زحمتکشان کشور خویش تلاش داریم.

رفقا! بدین ترتیب، رفقا! در صورت وحدت واقعی و ارگانیک ما می توانیم تمام ارمان های را که توضیح نمودیم و همه آنچه را که پیش بینی واقعا در خدمت مردم و وطن خود قرار گیریم.

مطالبه دیگری که بیرونی سیاسی در فانونین بهبود کار در برابر همه قرار میدهد، همانا تحکیم دایمی و همه جانبه دسپلین حزبی و دولتی است.

این موضوع نیز جدی نیست. ما بارها و با تفصیل در مورد آن صحبت نموده ایم و امروز قصد ندارم باز هم اهمیت دسپلین و ضرورت آنرا برای حزب طراز نوین طبقه کارگر توضیح کنم. من در باره جنبه دیگری صحبت می کنم. بیرونی سیاسی و دارا لانهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قاطع، بیکر و جدی تحکیم عملی دسپلین را در حزب و دولت، در همه حلقه ها از بالا تا پایین خواهد خواست. ای، لنین می گفت:

«اگر رهبری می خواهد دسپلین محکم را در حزب تا مین نماید باید از خود شروع کند». این رهنمای همه اشتراک کنندگان جلسه امروزی و آن کارمندان رهبری که در اینجا حاضر نیستند، مربوط میشود. زیرا در هر مقام و منصبی که باشند باید نمونه خود و مثال دقیق بودند، مجری بودن و با دسپلین بودن در همه امور اعم از خورد و بزرگ را نشان دهند. اینکار نه تنها برای موفقیت کار خودشان، بلکه برای تربیت ارگانها -

همین سبب حزب دو بار فرزندان خود را جمع میکند و دست خود را برای کار و بیکار مشترک به خاطر انقلاب پیش میکند. بیرونی سیاسی کمیته مرکزی معتقد است که همه نیروهاییکه آماد و قیاد هستند تا دست به دست پام در صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان حرکت کنند، باید مساعدت شوند. ما همیشه بر خورد طبقه ای داریم، ما همیشه وحدت بر اساس طبقه ای را اساس قرار می دهیم ما میدانیم که این گروه ها نسبت به بعضی پرو بلم ها متحمله در مساله ملی نظریاتی داشتند. ولی ما یقین داریم که در جهت عمل اهداف و موقف های ما با هم مطابقت دارد. اگر این رفقا از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان واز انقلاب نور پشتیبانی می کنند و حاضرند با دشمنان آن پیکار کنند، ما با صمیمیت در یک راه با ایشان خواهیم رفت. در این رابطه می خواهم بگویم که به رفقای که از این گروه پام شامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان می گردند، باید برخورد عادلانه و درست صورت گیرد، به ایشان کمک و پشتیبانی لازم مبذول گردد، زیرا در سال های اخیر در زندگی حزب تغییرات زیادی رخ داده و مهم است که این تغییرات درست و صحیح درک و فهم گردد.

بدین ترتیب، رفقا! در صورت وحدت واقعی و ارگانیک ما می توانیم تمام ارمان های را که توضیح نمودیم و همه آنچه را که پیش بینی واقعا در خدمت مردم و وطن خود قرار گیریم.

مطالبه دیگری که بیرونی سیاسی در فانونین بهبود کار در برابر همه قرار میدهد، همانا تحکیم دایمی و همه جانبه دسپلین حزبی و دولتی است.

این موضوع نیز جدی نیست. ما بارها و با تفصیل در مورد آن صحبت نموده ایم و امروز قصد ندارم باز هم اهمیت دسپلین و ضرورت آنرا برای حزب طراز نوین طبقه کارگر توضیح کنم. من در باره جنبه دیگری صحبت می کنم. بیرونی سیاسی و دارا لانهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قاطع، بیکر و جدی تحکیم عملی دسپلین را در حزب و دولت، در همه حلقه ها از بالا تا پایین خواهد خواست. ای، لنین می گفت:

«اگر رهبری می خواهد دسپلین محکم را در حزب تا مین نماید باید از خود شروع کند». این رهنمای همه اشتراک کنندگان جلسه امروزی و آن کارمندان رهبری که در اینجا حاضر نیستند، مربوط میشود. زیرا در هر مقام و منصبی که باشند باید نمونه خود و مثال دقیق بودند، مجری بودن و با دسپلین بودن در همه امور اعم از خورد و بزرگ را نشان دهند. اینکار نه تنها برای موفقیت کار خودشان، بلکه برای تربیت ارگانها -

ادارات و کارمندان تحت رهبری شان نیز مهم است. یک حقیقت ساده زندگی بشما معلوم است: اگر رهبری پام، خود بی دسپلین باشد، افراد زیر دست و نیز چنین میشوند. یک نتیجه وجود خواهد داشت: کار ارگانها، موسسه یا سازمان مربوطه مختل ویرانگند و به ناگه می میرد.

ما با جدیت و قاطعیت اعلام میداریم که بعد از این به هیچ وجه بی مسوولیتی، بی مبالائی، تعلل و شانه خالی کردن از اجرای فیصله ها و یا عدم اجرای آن و بی دسپلینی را اجازه نمی دهیم و تحمل نخواهیم کرد. این مساله نه تنها متوجه کارمندان رهبری بلکه ارگانها و موسسات تحت رهبری شان نیز است. به اجرای قطعی، حتی و جدی فیصله های اتخاذ شده و دستاویز ارگانهای رهبری، پلیتوم، بیرونی سیاسی و دارا لانهای کمیته مرکزی توجه بخصوص مبذول میگردد. رهبری جمعی در حزب هر چه بیشتر معمول میگردد. امروز آن وضع دیروز نیست که یک فرد حاکم باشد و اراده وی همه چیز را تعیین کند. در پلیتوم های کمیته مرکزی که بطور منظم دایر میگردد مهمترین پروبلم های تگامل انقلاب، حزب و مردم ترین وظایف مورد بررسی قرار میگیرد. در مدت زمان بین پلیتومها همه فعالیت روزمره و همه جانبه حزب را بیرونی سیاسی و دارا لانها رهبری می کنند. اجرای تمام تصامیم این ارگانها برای همه حلقه ها است. متأسفانه تعداد زیاد مصوبات درست و قانع کننده اجرا نمی شوند، این یکی از مظاهر ضعف دسپلین است. بعضاً رفقا بگویند اینک بهما زمانه می آید و مشخص پیر دازند، برای عدم فعالیت خود بهانه می جویند و دلایل می تراشند، بعضاً به انتقاد پنهانی و محفلی از تصامیم می پردازند و در نتیجه از تعلل آن جلو گیری میکنند.

در میان ما آزادی کامل بیان، نظر، آراء و پیشنهاد تا هنگام اتخاذ تصمیم وجود دارد. بعد از اتخاذ تصمیم همه نیروها باید در جهت تحقق عملی آن متوجه گردند. یکروز رفیق زیری گفت: «ما در جریان انقلاب قرار داریم، در حالت جنگ اعلام ناهید هستیم در چنین اوضاع هر کس که بخواد به آسانی می تواند قهرمان انتقاد شود».

رفقا! اجازه بدید به چنین «قهرمانان انتقاد» که غیر شریفانه به تقایص انگشت می گذارند، و لسی خود هیچ عملی برای رفع آن نمی کنند بگویم: جای شما در صفوف حزب نیست. سرانجام این شکل و انتقاد فرکسیونی و محفلی است و خصلت و خصوصیت فیو دالی، بورژوازی و بوروکراتیک دارد. این خصوصیت احزاب بورژوازی است که فرکسیون ها و جناح های مختلف اجازه دارند بدون مسوولیت حرف بزنند و تحت نام «آزادی» در حلقه

ها و شب نشینی ها و خوش گذرانی ها به سیاست زیر سقف و مباحثات خصوصی پیر دازند و باز بیاند و جانب داری ها کنند. این چنین رفتار برای حزب طراز نوین پیش آهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان از لحاظ اصول، اخلاق حزبی و دسپلین قطعاً مجاز نیست. بعضی ها می خواهند و فاقت های شخصی، رفاقت های سابق و جدید را به مامله مبذل سازند، از آن بفرض اهداف ناجایز خود استفاده کنند. به آنان هشدار داده میشود شرافتمندانه از این انحرافات دست بکشند این بدان معنی خواهد بود که آنان مفهوم فاز نوین را درست درک کرده اند.

من جداً اخطار می دهم و دعوت می کنم که این خصوصیات و خصلت ها، این سبب و کرکتر تصحیح گردد. ما وظیفه داریم در وجود همه اعضای حزب دسپلین آهنین را تقویت کنیم و به این کار بایل خواهیم شد. و ای، لنین می گفت:

«حزب وحدت معین ساز مانی است و افرادی که از دسپلین این ساز مان تبعیت نمی کنند و آنرا مد نظر نمی گیرند، تصامیم آنرا می شکنند، به آن تعلق ندارند». این قاعده اساسی است ما از این قاعده پیروی خواهیم کرد.

شرط دیگر بهبود کار ما ارتقای سطح مسوولیت است. اصل مسوولیت یعنی پاسخگوئی کامل و همه جانبه بخاطر وظیفه سپرده شده. ما از این پرسشیپ بطور بلا انحراف پیروی خواهیم کرد.

بیرونی سیاسی کیفیت و ارزش هر کارمند را نه بر اساس خدمات گذشته، نه بنایطول مدت سابقه حزبی، نه بر اساس سطح مقام، بلکه بر اساس اجرای واقعی وظایف، توانایی برای سازماندهی امور و نیل به نتایج مشخص ارزیابی خواهد کرد. البته توانایی کار و اجرای وظایف یگانه معیار نیست. وفاداری به انقلاب به حزب و سیاست آن، به دولت، به مردم، بوطن، به انترناسیونالیزم، وفاداری به دوستی با اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی نیز خصوصیات ضرور و مهم اند. در اینجا تناقض نمیتواند وجود داشته باشد. اما، اگر عضو حزب و مخصوصاً کارمند رهبری نمیتواند وظایف مشخصی را انجام دهد، اگر او قادر به گرفتن نتایج عملی از کار نیست، پس با وجود وفاداری خود به حزب و انقلاب برای آن مقام و آن کار بدر نمی خورد.

چنین برخوردی نسبت به همه کارها، از کارمندان رهبری حزبی دولتی تا مانی ها ی سازمان های اولیه و آمران موسسات صورت خواهد گرفت. این برخورد باید هم در مرکز و هم در محلات، هم در موسسات ملکی و هم در نیروهای مسلح تحقق پذیرد. ماقصیم جدی گرفتیم که برای بهبود کار نسبت به ارزیابی، انتخاب، انتصاب و رفتار غیر شایسته و غیر

شریفانه رانه تنها باید تقبیح کرد، بلکه فوراً و قاطعانه جلو آنرا گرفت.

حالا اوضاع جدید است. اینکه من با صراحت لجه باشم در این موارد حرف می زنم، شاهد شکل نوین مناسبات است و این را باید تمام توده های حزبی و آهسته همه مردم درک کنند. ما نمیتوانیم در زیر سقف ها و اتاق های بسته جا می بین راسبازیم.

اخیراً بیرونی سیاسی بعضی اقدامات جدی را در برابر برخی رفقای حزبی که کارمندان رهبری حزبی و دولتی اند، بعمل آورده است. بیرونی سیاسی معتقد است که این افراد از عهد و وظایف سپرده شده بدر آمده نتوانستند. در آینده نیز در ارزیابی کار کارها چنین برخورد جدی خواهیم کرد.

اخیراً رفیق کشتمند یک گزارش ریاست کنترول و تفتیش را بمن ارائه نمود. در این گزارش فاکت های در مورد تخطی ها و سوء استفاده ها که در موسسات دولتی که مخصوصا به تاسف است، اینکه بسیاری از کسانیکه در این سوء استفاده ها دست دارند، هنوز مجازات نشده اند. من متن کامل این گزارش را قرار نمی دهم اما شریفانه باید اعتراف کرد که جای شرم و خجالت است که در میان انقلابیون، اعضای حزب و جوانان و پارتیزانها، در این زمانه دیروز خود را فراموش کرده اند، با دوستان جدید نیز چنین مامله خواهند کرد. ما و شما می دانیم که در گذشته بعضی ها چنین خصوصیات و از روی وجدان مطمن مبارزه با این خصوصیات، وحدت حزبی، دسپلین و ارتقای سطح مسوولیت است.

ما همه باید خود را وقف راه انقلاب و مردم کنیم. عضو حزب در هر وظیفه و مقامی که قرار دارد: کارگر، مدیر مکتب، آمر فابریک، کارمند حزبی یا ما مور دولت است، در داخل کشور یا در خارج قرار دارد، در همه جا باید صادقانه و شریفانه و از روی وجدان انقلابی کار کند، در قدم اول منفعت کار را قرار دهد.

ولی باتاسف برای تنان بگویم که بعضی از رفقا که خدمت می هم برای حزب کرده اند، پیش من می آیند صریح و روشن و برهنه امتیازات و مقام می خواهند. شما بگویند، آیا من می توانم با آنها موافقه کنم؟ البته، نه. ولی هنگامیکه جواب ردمی شنوند، تبلیغاتی بدر از دشمن را بکار می اندازند، برای اینکه دشمن این قدر خصوصیات، مسایل و مناسبات درون حزبی را اطلاع ندارد. اینها به صورت فعال این طرف و آن طرف می دوند، تلاش می ورزند یکی را و دیگری را به اصطلاح و طنی ما «گپ» دهند. خوب باز این قدر شما مت نداشتید که حقیقت را بگویند. و حرف های خود را زیر نقاب اصولیت، وحدت و غیره و غیره پنهان میکنند. در برابر اینگونه افراد چه باید کرد؟ من فکر می کنم که این رفتار غیر شایسته و غیر

بقیه صفحه پنجم

بیانیه تاریخی رفیق بزرگ کارمل

کردم به خاور، به مدیر و بالاخره به رئیس و به وزیر مراجعه کردم. هر کس همین طور پاسر به طرف بالا اشار میگرد. خوب پیش صدر اعظم هم رفتم، او هم باکله خود به طرف بالا اشار کرد. فکر کردم که بالاتر از این کدام مقام است. شاید ضرور باشد به پادشاه مراجعه کنم. بعد از بافشای زیناد پادشاه را دیدم. او هم سر خود را همین طور بالا کرد. فکرمی شد که لازم به توضیح نیست، این میتودهای کار شایسته مانیست. اما بعضی ها چنین موقف های مضحک میگیرند و چیزی مشابه به آن از ایشان به نظر می رسد و جرأت شهادت و قبول مسوولیت بعد کافی در آنها وجود ندارد. این وضع مانع کار میگردد. بر عکس بعضی رفقا روی منافع شخصی و یا محفلی شان بسیار با جرأت و شهادت هستند. این افراد به غلط فکر میکنند که گوینا قدرت و وجود ندارد که او را در جایش بنشانند. این انحراف و گمراهی خطرناک و مضر است و ما باصراحت اعلام میداریم که به این جوانب توجه زیاد خواهیم داشت.

میخواهم یکبار دیگر تکرار کنم:

اکنون زمان دیگری است. رهبری حزب و دولت با میتودهای ایجاد وحشت و رعب، ترور و وارد ساختن اتهامات ناروا و ترساندن از سر نیزه عمل نمی کند. ما رهبری جمعی و دموکراتیک و برخورد رفیقانه داریم. دروازه های اتاقهای ما باز است و هر کدام از شما ها می توانید با پیشنهادات، نظریات و تذکرات خود بیایید و مراجعه کنید. فقط این پیشنهادها ذات و نظریات باید مستدل، سنجیده شده، معقول و واقعا قابل تطبیق باشد. برای این کار ضرور است تا در امور خویش وارد باشید. رفقا!

بعد از انقلاب نور، حزب ما مسوولیت سرنوشت کشور را بدوش گرفته است. در برابر مواظفات نوین قرار گرفته است که در گذشته در باره آن بعد کافی فکر نکرده ایم. مطابق به آن، خصوصیات و خصالت کار نیز تغییر یافته است.

هیچکس از ماو شما قصد نداشت که وزیر، منشی، کمیته ولایتی، والی، مدیر عظم و یا منشی عمومی گردد. در مقاماتی که اکنون مقرر داریم از طرف حزب و انقلاب تو ظیف شده ایم. و همه ما بشمول خود باید دایما بیاموزیم، تکامل و رشد کنیم تا وظایف خود را بهتر انجام داده بتوانیم. دانش و تجربه گذشته دیگر کافی نیست.

از جانب دیگر توجه شما را به این واقعیت جلب می کنم. بسیاری از شما ها در پست های تان تقریبا چهار سال بطور بلا وقفه کار می کنید. از لحاظ طول مدت تقریبا مطابق به زمان تحصیل در انگلستان و یا پوهنتون است. گرچه حقیقت اینست که همه ما پوهنتون های دیگری هتو ن زندگی داریم. اما بیرونی سیاسی معتقد است

که وقت آن فرا رسیده تا از هر کدام پرسیده شود که: «درین مدت چه چیزهای را آموخته ای؟ چگونگی کار خود را بهبود می بخشی؟» ما عقیده داریم که دلال و اسال ساتی برای طرح چنین مساله و باز پرس جدی وجود دارد، زیرا بسیاری باید بیشتری آموختند و فرا میگر فتند. فقط یک نتیجه گیری می تواند وجود داشته باشد: کسیکه جدا به ارتقای سطح دانش تیوریک خود یعنی فرا گرفتن علوم و غنا بخشیدن تجربه عملی خود نمی پردازد، در هر مقامی که باشد، از مطالبات و تقاضای زندگی و انقلاب، مردم و ویر و سها تکامل جا مفع، حزب و کشور عقب می ماند. درین صورت او نمی تواند طوریکه لازم است وظیفه سپرده شده را اجرا کند. طبعا مقامات حزبی و دولتی مجبور خواهند بود که تصامیم لازم را در مورد وی تا سر حد سبکدوشی از وظیفه بنابر عدم اجرای وظایف و به حیث شخصی فاقد صلاحیت، اتخاذ نمایند. هرکس باید متوجه این مطلب باشد.

لازم است که به آموزش و استفاده عملی از تجارب احزاب برادر بدرجه اول حزب کمونیست اتحاد شوروی، تجارب اتحاد شوروی که در کوه تا هترین مدت زمان از لحاظ تاریخی کشور، عقبمانده بی راه کشور بزرگ و قدرتمند میلما خند، جدا توجه گردد. برای تکمیل صحبت های قبلی باید بگویم که در صورت رهبری درست توده های انقلابی طی یک هفته و یکماه و یک سال کارهایی را انجام میدهند که در شرایط دیگر و غیر انقلابی برای آن ماه ها و سال ها ضرورت بود. انقلاب بیون و مبارزین واقعی باید دایما از لحاظ دانش، تجربه، حرکت، سنجیده، اخلاق، خصلت، توانایی کار و دیگر خصوصیات تحول و تکامل نمایند.

رفقا!

بسیار مهم است که اصل ابتکار یا انسیا تیف رشد یابد. انقلاب همیشه خلاقیت، جستجوی راه های جدید، استفاده از اشکال و میتودهای جدید مبارزه کار را میطلبد. انقلاب به کار میکانیکی، مصنوعی، تقلیدی، لاشعوری ضرورت ندارد. برخورد آگاهانه، درک عمیق ماهیت حوادث و پدیده ها، غنا بخشیدن تجربه، برخورد با مسوولیت و شجاعانه به امور لازم است. میتودها و اسلوب کار ما باید چنین باشد.

ما باید از دانش و تجربه دوستان و برادران خود مشاوران شوروی استفاده حدا عظم نماییم، لیکن مسوولیت کار را کاملا خودتان بپذیرید. شما شرایط، سنن، عنعنات و رسوم کشورتان اقوام و قبایل آن، کوه ها، دشت ها و دره های آنرا خوب تر میشناسید. لذا تلفیق هم آهنگ دانش و تجربه رفقای شوروی با دانش و تجربه خود ما اجازه میدهد که یکدیگر را غنا بخشیم کار مشترک را به سطح جدید و بلندتری ارتقا دهیم.

در باره رشد ابتکار باید در عرض کار خود خوب وارد بود. وضع امور و تحلیل کرد و به بیوری سیاسی دارالا نشا و شورای وزیران پیشنها دات سنجیده شد. مستندل را ارائه داشت. این کار را چه کسی بغیر از اعضای کمیته مرکزی، شورای انقلابی، وزرا، روسای شعبات کمیته مرکزی، مسوولین جبهه ملی پدروطن، اتحادیه های صنفی، سازمان جوانان، سازمان زنان و مسوولین سایر سازمان های اجتماعی دیگر باید انجام دهد؟

منحیت مثال مسایل حقوقی و وضع قانون گذاری و قانون در کشور را ببینید. تاکنون تعداد زیادی از قوانین کهنه که مطابق منافع نیازمندی های طبقات استثمارگر و استثمارچون نین کهنه که مطابق منافع نیازمندی های طبقات استثمارگر و استثمارچون

این وضع اصلاح گردد و بدون شتاب زدگی، با اطمینان با سرعت و سنجیده شده قوانین و مقررات جدید مطابق به منافع انقلاب و مردم طرح و تدوین گردد.

رفیق کشتند! در شورای انقلابی فیصله شده بود که قانون کار و کارگر باید تنظیم شود، کارآن یکجا رسیده است؟

(رفیق کشتند: مسوده قانون طرح شده است.) رفقا! نباید تصویب این قانون را به تعویق انداخت. دولت انقلابی باید بر اساس قوانین خود زندگی کند. قوانین باید متکی به نیازمندی های انقلاب باشد. به آن کمک برساند نه اینکه مانع انقلاب گردد. یا اینکه مانع برای انقلاب ایجاد کند.

نسبت به کار خائروالی عمو می، خائروالی اختصاصی و انقلابی و خائروالی قوای مسلح میتوان عمیقاً انتقاد نمود که قانونیت طوریکه باید و شاید تطبیق نمی گردد.

رفقا! بر علاوه من باید در باره جوانی از رفتار بعضی از رفقا مخصوصا کارمندان رهبری صحبت کنم که به اعتبار و اتوریت حزب لطمه وارد کرده و پیوند آنرا با توده های زحمتکش محکم نه، بلکه ضعیف میسازد. هر عضو حزب باید نمونه برخورد درست نسبت به مردم و اخترا م با آن را از خود، نشان دهد. من می شنوم که یکده رهبران در برابر مردم چون شاهزادگان با غرور و تکبر برخورد میکنند. حتی در برابر رفقای خود چنین برخورد دارند. اگر برایش میگویند که توجه کن، بسا مردم متواضع باش و بسا انعطاف بر خورد کن! جواب میدهد:

همینطور عادت کرده ام و

اینرا نتواند درک کند و یا درک میکند ولی اصلاح نمی شود از صحنه انقلاب بوزندگی سیاسی خارج خواهند شد. ما و شما همه در خدمت مردم قرار داریم. مردم غرور و تکبر، گردن بلندی را نمی خواهند! مردم فروتنی و تواضع را احترام میکنند. ما باید دربر خورد و تماس با مردم خوشبینی ایجاد کنیم نه اینکه آنانرا از خود برانیم. ما وظیفه داریم در وجود همه اعضای حزب اخلاق نوین، خصوصیات انقلابی نوین و حرکت نوین را تربیت کنیم. لازم است تا تضاد بین تکامل و پیشرفت حزب و انقلاب از یکطرف و رشد خصوصیات شخصی و اخلاقی، آگاهی، حرکت و سنجیده از جانب دیگر، رفع گردد. لذا باید یک تغییر بنیادی و انقلابی را در درک خود، سنجیده خود، مغز خود، اندیشه خود و حرکت خود ایجاد کنیم.

من مسوولیت خود میدانم که صریح، واضح و جدی حرف بزنم. گرچه این حرف کسی را برنجاند. این وظیفه من است. ما اعضای حزب بنام مردم، حزب و انقلاب باید بایکدیگر صریح، جدی و رفیقانه حرف بزنیم.

طرز تفکر، کردار و رفتار و شیوه زندگی بسیاری عملا با اوضاع و احوال و زمان انقلابی تطابق ندارد. بعضی ها طور زندگی میکنند که گویا در کشور صلح و آرامش برقرار است و بطور عموم آسود خاطر و بی خیال و بدون نگرانی اند و فکر می کنند وظیفه ما ختم شد، انقلاب کردیم. در حالیکه علیه ما ضد انقلاب و امپریا لیزم عمل میکند، جنگ اعلام نشده. جریان دارد، باندیت ها آدمکش می کنند، مکاتب، مساجد، پل ها و مزارع و غیره و غیره را تخریب می نمایند. ما علیه بی پروایی ها، آرایش طلبی ها، بی خیالی ها، مقام پرستی ها، خودخواهی ها و همه آنچه که مانع کار انقلابی میگردد، مبارزه بی امان و قاطع را اعلام میداریم. این خواست اسال سنا مه حزب است. هر کدام باید بنام سعادت و شگوفانی مردم افغانستان، بنام خوشبختی فرزندان و نسل های آینده آن بدون دریغ از صرف همه نیرو کار کنند.

چند حرفی هم در باره مناسبات متقابل احزاب های حزبی و دولتی. تاکنون ما از این جهت با مشکلات مواجه هستیم و اغلب این مشکلات موجب کندی و سنگینی معین در کارها و اتخاذ تصامیمی که به حد کافی سنجیده نشده، میگردد. متاسفانه تا هنوز بعضی کارمندان هم از لحاظ تیوری و هم از لحاظ پراتیک نمی دانند که چگونگی مناسبات متقابل بین ارگان ها و احزاب های حزبی و دولتی درست و صحیح تنظیم گردد. اغلبا امر عمد متکی بر منفعت و مفیدیت کار فراموش می گردد، و ملاحظات و ملحوظات ناچیز و مربوط به حیثیت و پرستیژ شخصی پیش کشیده میشود. البته ما هنوز تجربه کافی نداریم، زیرا ایجاد احزاب حزبی فقط چهار

سال قبل آغاز گردید. حین بررسی این مساله چه چیز را باید رهنمای عمل خویش قرار دادو به چه متکی بود؟ احزاب کمیته مرکزی ابزار کار کمیته مرکزی، بیوری سیاسی و دارالا نشا است. احزاب اجرای تصامیم و فیصله های بیوری سیاسی و دارالا نشا را تا مین می کنند، اطلاعات واصله به کمیته مرکزی را تحلیل میکنند و تعمیم می دهد، وظایف سپرده شده و دساتیر کمیته مرکزی را انجام میدهند، به کمیته مرکزی در انتخاب و جایجا ساختن کادرهای رهبری کمک می کنند و اجرای تصامیم کنترل می نماید.

از طریق احزاب حزبی و به کمک آن مطالبات بیوری سیاسی و دارالا نشا برآورده میشود. پس کسیکه دساتیر و توصیه های سپرده شده از طریق احزاب کمیته مرکزی را اجرا نمی نماید، او دساتیر و مطالبات بیوری سیاسی و دارالا نشا را انجام نمی دهد. ارزیابی دیگری جز این نمی تواند وجود داشته باشد.

ارگان های حزبی و احزاب و ارگان های دولتی با احزاب آنها کار واحد و مشترک را انجام میدهند. عین سیاست را تحقق می بخشند و از عین تصامیم و فیصله های حزبی بیوری می کنند. پس هنگام حل مسائل باید متکی بر منفعت کار بود نه بر ملحوظات ناشی از حیثیت و پرستیژ شخصی. وزراء، معاونین شان و سایر کارمندان رهبری دولتی باید به کمیته مرکزی باکمال مسوولیت و مسرت و افتخار بخاطر آنکه ایشان را به کمیته مرکزی دعوت نموده اند، بروند. بحث و مذاکره روی پروبلم ها در کمیته مرکزی، طرح نظریات مشترک و توافق شده در این میان مساله، تدوین پیشنهادات مشترک سنجیده شده و متوازن فقط به بالا رفتن هم حیثیت و پرستیژ ارگان های دولتی، وزارت ها و ادارات و هم به بالا رفتن حیثیت و پرستیژ خود کمیته مرکزی کمک می کند. اما اگر تفاوت نظر ها و اختلاف نظر ها وجود آید، در آن صورت بیوری سیاسی و دارالا نشا است که صلاحیت دارند تصمیم نهایی را اتخاذ کنند. بعضی رفقا آمدن به کمیته مرکزی را تنزل مقام و حیثیت و پرستیژ میدانند. عجیب حزبی ها اند! از رفتن به کمیته مرکزی حزب خود خجالت زده می شوند و به پرستیژ شان بر می خورد! این حزبیت نیست و ما آنرا تقبیح می کنیم. می خواهم جهت دیگر را نیز خاطر نشان سازم. در احزاب کمیته مرکزی باید این موضوع را دقیقاً و بطور روشن بدانند: وزیران و دیگر کارمندان رهبری دولتی را حزب در مقامات شان تعیین و بیوری سیاسی یارادالانشای کمیته مرکزی تصویب نموده است و بسیاری از آنان اعضای کمیته مرکزی حزب اند. آنان را کار بیوری سیاسی و دارالا نشا می دانند. محلی بیشتر گردد و به آنان یاد داده شود که عملا کار خویش را اجرای تصامیم

یست. نباید به آنان فرمان داد و نباید شوری وزیران را تعویض و تبدیل کرد. کاملا لازم است که همه کارمندان احزاب کمیته مرکزی هنر و کلتور عالی بر خورد را از خود نشان دهند. ببینید حتی در صحبت تلفونی برای روشن ساختن کدام قضیه، یا گرفتن اطلاع و یا ابراز زکدام تقاضا میتوان به اشکال گوناگون برخورد کرد. با لهجه خشک، عصبانیت، غیر مطبوع و پر تکبر و یا رفیقانه، آرام، متواضع و دوستانه.

همه باید دیالکتیک این مناسبات متقابل را درک کنند و نباید از یکطرف یا طرف دیگر تحریف و کجروی صورت گیرد.

درک درست این مساله باید به همه کارمندان ارگان های حزبی و دولتی تقسیم گردد تا از یکطرف رهبری حزب تا مین شود و از طرف دیگر مانع ابتکار و ریاست واداره در رهبری و مدیریت همان رشته، موسسه، تصدی یا فابریک نگردد. این وظیفه ایست که اجرای موفق آن وابسته به آگاهی انقلابی و وجدان کارمندان رهبری حزب و دولت میباشد. ما تردید نداریم که این وظیفه را انجام خواهیم داد و به تا مین نرود بنا سیون و همکاری لازم، عمل مشترک و تقاضا و مناسبات متقابل رفیقانه، صمیمانه، ولی اصولی نایل خواهیم آمد. بیوری سیاسی و دارالا

نشا بنو خود سطح مطالبات از شما کمیته مرکزی، از همه کارمندان احزاب آنرا جلسه مسوولین همه شعبات کمیته مرکزی و معاونان شان لازم را در شعبات خویش برای ارتقای سطح آگاهی و فعالیت مربیان و سایر کارمندان سازمان دهند. در سال جاری احزاب کمیته مرکزی از لحاظ تعداد کارمندان به حد قابل ملاحظه رشد یافته، اما هنوز نتیجه لازم احساس نمی گردد. باید پروبلم های که برای بررسی به جلسات بیوری سیاسی و دارالا نشا ارا نه میگردد، عمیق تر مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد. طرح بسیاری از اسناد و مصوبات شعبات کمیته مرکزی پیشنهاد می نمایند بعد کافی سنجیده شده و مستندل نمی باشد.

بارها دیده شده که باوزارت های ذی علاقه بطور مقدماتی راجع به یک پیشنهاد مشوره و توافق صورت نمی گیرد. اعضای بیوری سیاسی و دارالا نشا میدانند که تعداد مسایلی که بررسی آن به تعویق می افتد کم نیست، زیرا شعبات موفق نمی شوند آنرا بموقع تهیه کنند. گرچه از پلان کار بیوری سیاسی و دارالا نشا قیلا آگاهی داشته می باشند. همه اینها نواقص جدی در کار مسوولین و احزاب کمیته مرکزی است.

ضروری است تا کار سازمانده می شعبات کمیته مرکزی در محلات و در ولایات تقویت یابد و در کمیته های حزبی و ولایتی فعالتر کمک صورت گیرد، باید کار آموزشی با کارمندان حزبی محلی بیشتر گردد و به آنان یاد داده شود که عملا کار خویش را اجرای تصامیم

کمیته مرکزی و کمیته های محلی را چگونگی سازمان دهند. کارمندان احزاب، کمیته مرکزی، مانند سایر کارمندان حزبی نباید مانند مامورین اداری باشند که در عقب میزها نشسته اند. آنان باید سازمان دهند، مستقیم امور باشند. رفقا!

امروز ما موضوعات و مطالبات اساسی و عام فاز نوین بهبود کار را به اطلاع شما کارمندان رهبری ارگانهای حزبی و دولتی، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن رسانیدیم. این مطالبات باید عمیقاً از جانب همه رفقای ما درک، تفهیم و همضم گردد و با آن برخورد آگاهانه و جدی صورت گیرد. کار باید مطابق به دساتیر بیوری سیاسی تجدید بنا یابد. مقوم این مطالبات باید به همه ارگان های تحت رهبری اعم از سال زمان های حزبی، دولتی، سازمان های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن رسانیده شود.

تجدید بنا باید، مقوم این مطالبات باید به همه ارگان های تحت رهبری اعم از سال زمان های حزبی، دولتی، سازمان های اجتماعی و جبهه ملی پدروطن رسانیده شود. و ابلاغ گردد. و از همین لحظه ما باید در روح خود یک انقلاب و تحول رایج و فضا و اتموسفر جلمه امروز ی باید به همه کمیته ها و سازمان های حزبی، به ارگان ها و ادارات دولتی، به همه سازمان های اجتماعی انتقال داده شود. همه باید بشکل رفیقانه بر اساس

بر خورد انقلابی، وطن پرستانه، بر اساس میتود و اسلوب فاز نوین، بر اساس برخورد جدید بغیر از طرز ونحو. ایکه تاکنون بوده است کار و مبارزه کنند و فعالیت خود را سازمان دهند. رفقا!

ما کاملا و سخت اطمینان داریم که تحت رهبری حزب ما همه وظایف انقلاب ملی، دموکراتیک، ضد فئودالی، ضد امپریالیستی در افغانستان موفقانه به سرانجام نهایی خواهد رسید. ما همچنان اطمینان داریم که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تکامل بعدی انقلاب نور تا مین میگردد، رسیدن به هدف نهایی استراتژی یعنی ایجاد جامعه نوین فارغ از همه انواع و اشکال ستم و استثمار انسان از انسان تا مین خواهد شد.

ما دشواری ها، پروبلم ها و مشکلات زیاد داریم، اما هراسی نداریم. ما با تا مین ارتباط محکم با مردم، به کمک و پشتیبانی آن و به اشتراک فعال سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن میتوانیم که آرمان های انقلاب را تحقق بخشیم و اهداف حزب را عملی کنیم. ما از حزب، مردم، سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، نیروهای ملی-دمو کراتیک، مترقی و وطن پرست کشور دعوت می کنیم که با مساعی و کار دوستانه، مشترک و متحد، زندگی شگوفان و نوین را اعمار نمایند.

با اطمینان و عزم راسخ، بدون هراس و تردید، دست به دست هم، دوش بدوش به پیش بسوی پیروزی نهایی می رویم.



کارگران با بریکه بشمینه با فی پلچر غی، با کار خستی نا پذیر خود و احساس مسوولیتی که نسبت به جبهه تولید دارند، توانسته اند بیشتر از پلان کار و تولید نمایند.

در جبهه کار

پیشرفت ها، نارسائی ها

کار بیشتر از پلان مرتبه

چهارموسسه تولیدی واقع در ساحه ناحیه یازدهم حزبی که شامل مسابقات کاراند طی مدت ربع اول و دوم سالجاری بیش از پلان مرتبه تولید نموده اند.

مسئول شعبه اقتصاد ناحیه یازدهم حزبی به خبر نگار حقیقت انقلاب تور گفت:

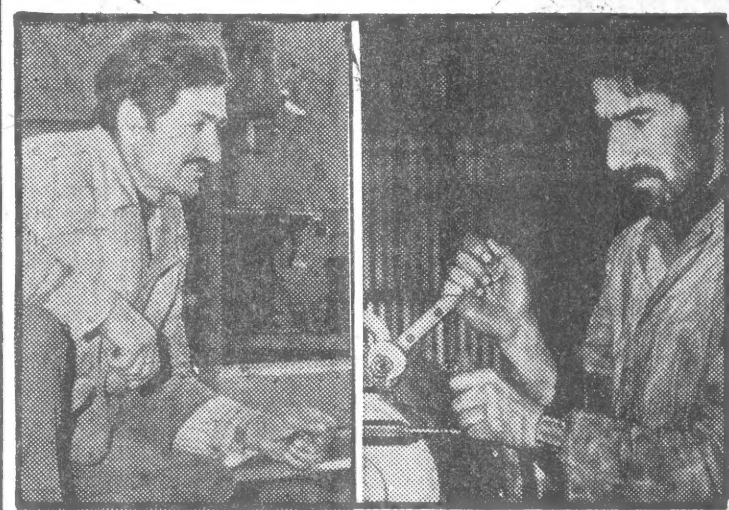
ریاست خدمات انجنیری صحت وزارت صحت عامه، دستگاه شناختناهی سپینغر، ریاست ماشینری و خدمات تخنیکی وزارت مساندن و صنایع با ۱۳۳۰ نفر کارگر موجود که ۶۹۰ تن آنان شامل مسابقات کار بوده اند، با ۱۱۵-۱۰۴-۱۰۵ و ۱۳۱ فیصد طی شش ماه اول سال پلان مرتبه را تطبیق نموده اند.

اما آنچه که تطبیق نگردیده سیستم اکورد و دفاع خودی است و نیز کمک علی به مکاتب ضعیف بوده است.

(پژوهش)



در ریاست مواندنتی وشگر کار ترمیم موثرها ومشکلات تخنیکی دیگر بوسیله کارگران این موسسه حل میگردد.



کارگران خدمات تخنیکی وزارت معادن و صنایع معمولاً سهم بزرگی در جبهه تولید بجای گلبارده اند.

در مطبعه تحصیلات عالی

کارگران و کارمندان مطبعه ریاست نشرات وزارت تحصیلات عالی و مسلکی طی نه ماه سالجاری پلان تولیدی خویش را ۱۲۱٫۹۹ فیصد تطبیق نموده اند.

یک منبع مسوول این موسسه در مورد به خبر نگار ح.ا.ت. گفت:

بر اساس پلان داده شده طی نه ماه سال، موسسه ما باید شش میلیون و پنجصد و هفت هزار داپ تولید مینمود که در اثر مساعی کارگران و کارمندان نه میلیون و شش صد سیصد هزار و شش داپ تولید نموده که ۲۱٫۹۹ فیصد تولید اضافه از پلان را نشان میدهد.

طی نه ماه سال، کارگران این موسسه در این موارد صرفه جوئی نموده اند:

ماسک و مونتاز مبلغ ۸۰۰۰۰ افغانی، روغنات ۳۶۰۰۰ افغانی، کاغذ تریشه مبلغ ۴۵۰۰۰ افغانی و راپرلند کیت های مستعمل ۲۴۰۰۰ افغانی.

(ح.ا.ت)

معرفی کتاب

تاریخ عصر جدید

تالیف مود خین شوروی ترجمه فریدون شایان و محمد تقی فراموزی

تاریخ عصر جدید که وقایع و جریانها تا تاریخی عصر انقلاب پور و از قرن ۱۷ در انگلستان را تا زمان انقلاب کبیر اکتوبر در بر دارد اخیراً درد و جلد با تیسرا پنجهزار جلد از طرف ریاست نشرات کمیته دولتی طبع و نشر تکثیر گردیده است.

رساله ییزم و ضد رالییزم در ادبیات

اؤد کتی میترا

ریا لیزم و ضد ریا لیزم در ادبیات از مزمرة کتابهای خوب نقد ادبی و تاریخ ادبیات بشمار می آید. در این کتاب مقاله های پیرامون ریا لیزم، انواع ریا لیزم در قرن ۱۹، رمانتیزم، سمبولیزم، سوریا لیزم واکزیستانسیا لیزم با روش تحلیلی نوشته و نشر شده است.

این کتاب از طرف ریاست انتشارات بیقی در سته هزار جلد تکثیر گردیده که قیمت هر فی جلد یکصد افغانی است.

لحظات هفده گانه بهاران

نوشته پولیان سیمینوف ترجمه وصدی

ی. سیمینوف از نویسندگان خوب شوروی است که روانهای زیادی نوشته است. این رومان از شکارهای او بشمار می آید که بر اساس آن سریال تلویزیونی نیز تهیه گردیده است.

رومان لحظات هفده گانه بهاران به چندین زبان ترجمه شده و در ۱۹۷۹ از طرف نشرات پرو گرس کار ترجمه آن به زبان دری نیز صورت گرفت.

نسخه های دری این کتاب با قیمت هر فی جلد (۲۰) افغانی آماده فروش است.

کتاب های مذکور در غره های فروش کتاب بیقی آماده فروش است.

بی تفاوت نباشید

پروگرام حرکت بسها را باید دقیق و منظم ساخت

● ساعت ۳:۵۵ عصر ۷ دلو در بس نمبر ۹۹۱ مربوط ملی بس لین خیر خانه مینه به طرف شهر می آمد. در ایستگاه ده کیلک تعداد زیادی از هم شهریان ما منتظر آمدن بس بودند و لی بس از مقابل ایستگاه گذشت و توقف نکرد. درپور فقط یک خنده تسخر آمیزی نمود و از کنار منتظرین رد شد. در حالیکه نمی از چوکی های آن خالی بود!

● ساعت ۵:۰۵ عصر چهارشنبه دلو در ایستگاه مشفا خانه علی آباد تعداد زیادی از اطفال، زنان و سایر هم شهریان ما که اکثرشان به عیادت مریشان آمده بودند در ایستگاه منتظر بودند تا بس شهری آنها را به شهر بیاورد و لی بس نمبر ۲۲۱ توقف نکرد و به سرعت از ایستگاه گذشت.

استدلال درپوران در اینگونه موارد چه چیزی است: همه یک حرف را میگویند: «از پروگرام عقب مانده ام».

معلوم نیست چرا از پروگرام حرکت عقب مانده اند و اگر احياناً چنین چیزی هم باشد آیا تنظیم پروگرام حرکت برای حل مشکلات هم شهریان است یا هم شهریان باید مشکلات بیشتر را متقبل شوند تا پروگرام حرکت ملی بس منظم باشد.

● ساعت ۲:۴۵-۲:۳۰ عصر ۷ دلو است. شش عراده بس در ایستگاه کوله بسته به دنبال هم می آیند و توقف می کنند در همین لحظه سه عراده بس در ایستگاه مطبعه و مکرویان به دنبال هم می آیند و توقف می کنند و لی صرف یک بس از سوارریز میشود و چنین وضع در اکثر ایستگاه ها تکرار میشود.

نتیجه اینکه هم به مقدار کافی بس وجود دارد و هم درپور و نگران تنها آنچه که وجود ندارد و سبب خلق مشکلات و ازدیاد از دحام در ایستگاه ها میشود نبودن پروگرام منظم حرکت بسها در مواقع لازم است و عدم تطبیق پروگرام فعلی عیار شده در زمان مشخص آن درین زمینه باید با استفاده از تجارب مامورین تنظیم پروگرام ایستگاه ها حرکت بسها را طوری عیار نمود که در مواقع لازم هنگامیکه از دحام زیاد است تعداد زیاد بسها را به کار انداخت و امکان دارد در عین زمان در یکی از ایستگاه های دیگر چنین ضرورتی نباشد بناء بس یک لین در لین دیگر توظیف شود.

● شنبه ۲۷ جدی ساعت ۶:۳۰ شام از ایستگاه فرو-شگاه بزرگ افغان در یکی از بس های «تاتاء» طرف مطبعه میرفتم ولی متوجه شدم که بس نگران ندارند و کسی تکت توزیع نمیکند. برای همه را کبین بس تعجب آور است درپور در برابر پرسش میگوید:

تکت نداریم تکت ما خلاص شدونگران از ایستگاه فرو-شگاه به خانه رفت. از ینگو نه حادثه ها هر روز در هر ایستگاه می تکرار می شود!

خشم مردم در چهره پوسترها

هفته پیش در هر دودویوار خشم مردم علیه سیاست ما چرا جو یانه و جنگ افرو-زانه امپریا لیزم امریکا نقش بود.

این خشم مردم در چهره پوسترها فریاد شده بود و مردم به پوسترها میدیدند همه با یک صدا: مرگ بر امپریا لیزم امریکا!

مرگ بر سیاست نظام میکرانه و ضد انسانی ریگن! این پوسترها تصویری واقعی امپریا لیزم امریکاست ونمودی از تلاشهای اداره ریگن در گرنادا، نیکاراگوا، لبنان، وافغانستان.

در همه جا تحفه امپریا لیزم یک چیز است: خون و آتش. در همه جا فرمان امپریا لیزم به مردم بیگناه گلوله های ماشیندار، هاون، مین ها و بمب های کشنده است.

